

١٧

٠٥٣

س





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

الحمد لله

مظفر الدين

لا يزال مؤيداً بنصره

سلطان اعظمی کا فائدہ
خافانہ بخل کا مرکاہ

سَلَامٌ عَلَيْكَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَلَامٌ عَلَيْكَ
سَلَامٌ عَلَيْكَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَلَامٌ عَلَيْكَ

اھما عالمنا محمد وکرم

خطی اول فل الکتاب

والنفس الطاهرة

دستا

تجدید فیض عالمی

دتر کارخانه است

الماهر المشهدي



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين أما بعد جنس کوبد اهل
 خان الله محمد باقر بن محمد تقی حشر الله مع الائمة الابرار صلوات الله عليهم اجمعين بدانکه این چند کلمه
 است ر بیان معرفت تعبیر جواب آنچه از امان و لحاظ است معنی ظاهر میشود خواب زنان اصلی ندارد
 مگر اینکه مؤنه باشد و بارگه افضل او بر زنان دیگر که سلیطه و قاحشه باشد خواب نو آنکه فخر را
 فضیلت است بر خواب در ویشان زیرا که بر وایت جز ما صادر و بخیل کسی بود خواب و بکار ناپد و بیا
 نبوی صلی الله علیه و آله فرموده (البخیل لا ینزل الجنة) زیرا که همیشه در غم و در ویشی خود در غم
 فرزند و عیال و هر چه در بیداری بیند و خواب هم بیند آنچه خواب بد بیند زود ناثر کند و آنچه
 خواب بد است دین نیجه بخشد و خواب را حق ضعیف بود زیرا که اندیشه در کار جماعت و طعام
 بسیار خوردن و خواب کود که راد و فول است بر آنکه دل او را غلبه گرفته است و خوشتر و است باشد آنچه
 بد است و د ناثر میکند فول دیگر است که خود را و او را هم بنوع خواب او را اختیار نتوان کرد و کوه
 را حق خواب که بیند چیز و شر او بیای ملاد و بیدار و بود اما بدی از خواب است آنچه زیاده دارد و اما
 جو و مسرت و حاضری و جنب همه را است و رسدست دلیل میکند که صفتی در خرقی از اخطاب که
 زن امر خیر بود در خواب بد که افتاب و ماه در کار و افتاده بیدار شد و هر ش گفت طبعی خیر و در

در بیان حدیث کتاب

۳
 او زد چنانکه رنگش کبود شد گفت الخت خدا بر تو باد اگر این خواب تو راست بود محال این قلعه میبرد
 و ترا با سپری برند و ترا از خود کند و روز سیم قلعه را گرفتند و صفی را اسیر کردند بخد مت
 حضرت رسول آوردند حضرت فرمود که چرا روی تو کبود است صفیه فتنه خود را گفت پیغمبر فرمود
 تعبیر من مانع است که دیدن دانستن خواب دروغ بدانند چنانکه مردار مختلف اند در این بطنایع و مرد
 و احوال به الاستخراش هیچ بیکدیگر نمیپایا و چند کرده خون غالب کرد و از خوردن دواها و کوشش
 و شارب چیزها مانند میان چون او را این شایطینند و فتنه بود از سرخ در خواب بیند و فتنه و فتنه
 بدانند از خواب از فتنه و خونت ظاهر اصلی ندارد و او را تعبیر یکند و دیگر که و هر صفر غالب کرد
 از خوردن و استامیدن مثل سپر قلقل پیاز خام و مافله و ماش و آنچه مانند اینها خواب بیند مثل شمع و
 چراغ فتنه بل منعل و اثر و اگر رنگ او رود و بین لاغر انداز خواب اصلی ندارد و تعبیر نکند و دیگر
 که روی که سودا غالب شود از خوردن چیزهای نژد و سرد و شور و گوشت شکار و کار او بز و آنچه بدین
 سپاه و شهاب جاه و مکان بیند چو بیند از جانب می فر افتاد چون معتبر از بیست و شکار و منفکر
 و منتهی با هم و اندوه بر بدانند خواب از ده دنی سودا است اصلی ندارد و چنانکه کرده و ابلیم او و پاشد با
 از خوردن دروغ و غیره و آنچه بدین مانند سپاه خوب از دریا و حوضها آنچه از ابرو غش و برف
 و شارب بیند معتبر چون بر روی نگاه کند او را با غم و تفکر نگاه و بیند و هم از زیاد شدن بلعنت
 انهم اصلی ندارد اما کسی که صاحب همتند مثل عاشق و معشوق ز در خواب بیند یا با کسی خوش
 دارد خصم خویش را بیند یا عمل دارد مشبه در خواب بیند یا کسی غمی دارد و بخواب بیند که در
 است سرماهی باید چو زبیدار شود از جامه برهنه بود انهم اصلی ندارد و آب نگاه داشت و خوش معیار
 در وقت سؤال تعبیر خواب که چون شاید نزد معتبران اید سلام کنند و نشیند و خداوند عز و جل را یاد
 بر مولی خدا صلوات فرستند بر آفته ظاهر برود و در کوید از حلقی اسندانه جوید به سیمله بعد از آن
 خواب خود را بدون که در زیاد معتبر عرض کند اما باید داشت کوید زیاد و نقصان بسیار زیاد و در خواب

تجارب

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اصدفکم کلامکم و اصدفکم روپاکم یعنی راست بگوئید خواب نورانی
 شود و تعبیر نور و حاصلش آمانگاداشتن معتبران بود که صبر و خرد خورد و فهم عقل و تدبیر
 آوردن سخن سائل تمام شود و شبیهه سخنها او را و نام پدید آورد پرسد که ببیند سال اصحاب سلطان
 پاکسبه آیا خالمر با جاهل یا مقصد یا یا مومن یا فاسق باشد یا آزاد است یا غریب یا شهری زنی نامرد
 خواب شب پدید یار و در رفت غناک بوده یا شادی امت بود یا عاقل یا بود یا جیب انشعبه خورد
 چون معتبر بر همه مطلع شود خواب او را تعبیر کند چنانکه بوده ابد و نقصان بلکه رای خوش آمدن سائل نکو
 و بد آنکه بر مردم مسلما واجب که با طهارت باشد و از ذکر خدا بیغالی عاقل نباشد صلوات بر پیغمبر و
 او بفرستند و شهادتین بگوید بر طرف راست بگوید و دست راست خود را گذارد بر روی و دست
 بفرود آورد و اخلاص و معنویت بخواند و استغفار بگوید بعد از آن ایها الکرمی و امن الرسول و شهد الله و قل اللهم
 ربنا و انا انما نأشیر و بعد از آن این دعا را بخواند اسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی
 السماء و هو السميع العليم اللهم انی استلک العفو و العافیة و المعافات فی الدین و الدنیا و الاخری اللهم
 انی توکل علیک و تفعلت بکما بک و اسلمت نفسی الیک ببارکت ربنا و تعالیات العفو و عفو القبر و ان
 استغفرک و اتوب الیک و ربنا ما هار ب منک الیک اللهم انی استلک یا الله ان تریح فی منا ما روای
 صالحه غرضه پیر دست و آبکشاید و روی قبله کند چون از خواب بیدار شود پوزشبارک و تعالی
 یاد کند اگر خواب بنگوید یا باشد خدا را شکر کند و صدقه بدهد اگر بدید یا باشد پس معتبر را ببیند
 از خواب خود سوال کند فی زمانه و نقصانامعنی غیب تعبیر کند بد آنکه احبند کلمه از تعبیر خواب بپایام بشود
 امید است هر که از این رساله استغفر شود مؤلف و کاتب را بطلب مغفرت یار و شاد فرمایند

باب اول در بیان فضل سال و غیره	باب دوم در بیان خواب که بجهت نوع است
باب سوم در بیان خواب فرشتگان و کرمینا و ملائک مقرب و بهشت و دوزخ و عرش و کرم و غیره	

ساحب الجناب

[illegible]

باب ۱ دیدن کافور و مشک و عنبر و غیره
باب ۲ دیدن عسل و وضو و نیت و درویش شدن
باب ۳ دیدن نعل و کلبه و تخت و غیره
باب ۴ دیدن مرده مان و سباع و حشرات
باب ۵ دیدن آزار پیو و ریم و زرد لابله
باب ۶ دیدن باغ و سبزه و درخت و مرغزار
باب ۷ دیدن خورنما و شیرینیا و غیره
باب ۸ دیدن تلج و حلقه و گوشواره و انگشتر
باب ۹ دیدن نعل و زنجیر و آزاربانه و چوب
باب ۱۰ دیدن سلاح اسب و کار و خمر و شمشیر
باب ۱۱ دیدن احکام مختلفه و شکسته شدن
باب ۱۲ دیدن آزاربانه و زدن کشتن کردن
باب ۱۳ دیدن حرد و فروش و نرخ اسبها
باب ۱۴ دیدن کشت و شود با سباع و بهائم
باب ۱۵ دیدن قضای و کشتن کوسندگان
باب ۱۶ دیدن هوا و خز و کوش و کوزه
باب ۱۷ دیدن آزارها و سوسما عنکبوت کرم
باب ۱۸ دیدن کرک و شعاع هوا و غیره
باب ۱۹ دیدن فکس و مورچه و بنور ملخ و غیره
باب ۲۰ دیدن آزار و تخم و حشرات الارض

دینار شنگان

از خواب است و خواب اصحاب سلطان هزارستان خوابانید و یکی میگوید که در خواب دیدم بانگ میگویند
 گفت خداوند تعالی زاج روزی کند بکره من خوابانیدم از او پرسیدم گفت نریزد و میگوید که چون
 که یک خواب را در تعبیر مختلف کردی گفت تعبیر را بحال سائل باید گفت که یکی صالح و منفی بود و یکی
 چنانکه حضرت تعالی فرموده است از فی الناس يوم الحج الا که بعضی خبر داد و خداوند مرا بچنانکه شب معصدا
 داشت تعبیر چنان کردیم چنانکه حضرت تعالی فرموده که از مؤذن اینها العبرایکم لتلوفون و شاگردان
 نگاه داشتند از مرد و تعبیر داد و است افتاد چنانچه معتبر گفته بود و زیاد و نقصان باریست
 میان دیدن فرشتگان و کر و میان و مقربان و ملائکه و فرشتگان و در و فتح و مرید و کرسی و صراط و غیر
 اگر کسی فرشتگان را در خواب ببیند رحمت و نعمت بود از راه و وجه است فرشتگان اینها را ببیند عدد و لایند
 در چهار عدد و راحت و اضاف و راحت و فرج و از زانی و خوار و مال و جلال و فرزند و بخت و روزی شود
 اگر کسی خورالین و خواب ببیند مال و فرزند و عزت و شرف و امر و ثروت و کافا قوله تعالی الذین یحییون الارض
 لا انور و اگر کسی چربیل را در خواب ببیند برادر و سرکار و غایت و زبیر و زبالا کرد و برادر کی بسند عالم شود
 و قوله تعالی علم انشدید القوی اگر کسی بکاشیل را در خواب ببیند عمرش و زارش و اگر در وین باشد خوش شود
 و در از سال رحمت بود و در کار شامه حال مرده مان کرد و بسیار باران بیارد و اگر کسی برافیل را در خواب
 ببیند که مور میبندد عدل کشد و شود و در آن شهر و هر کاران قوت گیرند و قاصدان و نیشوند و مردم
 راغب شوند اگر عزرا بیل در خواب ببیند مرگش نزدیک شود و نوبه روزی او کرد و اگر چشم او ببیند
 بی نوبه بدستوری بود اگر بدک جان او را ببیند زندگانی از دایه خوشی میکند و اگر ببیند که بی روی سلا
 کرد آند و جهان این کرد و در بهشت رود و قوله تعالی و بشر الجنة و در جای دیگر میفرماید طیب قلوبها
 خالین اگر کسی فرشته در خواب ببیند تعبیر رحمت بود اگر ببیند که فرشتگان از آسمان نازل میکنند که از راه
 و فریب بود و مسلمانان را نصرت و عزت و غنیمت بود و قوله تعالی و عدد کم و یکم بحسنه الات من ملائکه
 متوکل اگر کسی در خواب ببیند و اضاف و راحت و شادی و اینها باشد اگر کسی در خواب ببیند از راه

در خواب دیدن فرشتگان و کر و میان و مقربان و ملائکه و فرشتگان و در و فتح و مرید و کرسی و صراط و غیر
 اگر کسی فرشتگان را در خواب ببیند رحمت و نعمت بود از راه و وجه است فرشتگان اینها را ببیند عدد و لایند
 در چهار عدد و راحت و اضاف و راحت و فرج و از زانی و خوار و مال و جلال و فرزند و بخت و روزی شود
 اگر کسی خورالین و خواب ببیند مال و فرزند و عزت و شرف و امر و ثروت و کافا قوله تعالی الذین یحییون الارض
 لا انور و اگر کسی چربیل را در خواب ببیند برادر و سرکار و غایت و زبیر و زبالا کرد و برادر کی بسند عالم شود
 و قوله تعالی علم انشدید القوی اگر کسی بکاشیل را در خواب ببیند عمرش و زارش و اگر در وین باشد خوش شود
 و در از سال رحمت بود و در کار شامه حال مرده مان کرد و بسیار باران بیارد و اگر کسی برافیل را در خواب
 ببیند که مور میبندد عدل کشد و شود و در آن شهر و هر کاران قوت گیرند و قاصدان و نیشوند و مردم
 راغب شوند اگر عزرا بیل در خواب ببیند مرگش نزدیک شود و نوبه روزی او کرد و اگر چشم او ببیند
 بی نوبه بدستوری بود اگر بدک جان او را ببیند زندگانی از دایه خوشی میکند و اگر ببیند که بی روی سلا
 کرد آند و جهان این کرد و در بهشت رود و قوله تعالی و بشر الجنة و در جای دیگر میفرماید طیب قلوبها
 خالین اگر کسی فرشته در خواب ببیند تعبیر رحمت بود اگر ببیند که فرشتگان از آسمان نازل میکنند که از راه
 و فریب بود و مسلمانان را نصرت و عزت و غنیمت بود و قوله تعالی و عدد کم و یکم بحسنه الات من ملائکه
 متوکل اگر کسی در خواب ببیند و اضاف و راحت و شادی و اینها باشد اگر کسی در خواب ببیند از راه

در بیان خدای عز و جل

ببیند ازاده و چهار است و غرت و غمت و عشرت و دولت و ظفر باشد و در میان در پاست و قوت
 و راحت باید اگر کسی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند آنکس در هر دو جهان عزیز باشد
 و کاری میکند که منسوب بهت باشد لیکن بر پی چری مبتلا کرد و در پستان مراد را باید از خواب
 خدا در خانه که محله در شهر که او را در خواب ببیند آنوقت ملائکه را صلاح در آید و من و بار سار
 آنچه خدا باری فرموده بجای آورده از شهرت بدانکه از بشارت آمدن است از آنجا عرض و است و است
 پیدا بداند شاد گردد اگر کسی غمگین شود شادمان شود اگر محبوس باشد آزاد کرد و اگر در پیش
 بود توانگر گردد و اگر در دل مطلبی و مرادی دارد بر نوردی مطلب برسد و اگر غریب و بیخانه خود
 و اگر فرض دارد باشد فرزند او را داشته و اگر بیست باشد شفا یابد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر غایب
 بود باز پیدا شود و روزی او زیاد کرد و اگر سلطان میباشد روزی او و ولایت بکشد و اگر پادشاه
 ببیند ازاد گردد و اگر کهنه بپند مهر شود و مرز ما تو لایست از گناهان توبه کند بلا برایش نازل شود و
 تعالی کرد ما نازل المرسلین الا مبشرین و منذرین و اگر کسی رسول خدا را شناسد ببل بنکونی
 و اگر او را نرسد وی و عضا که نغز بالله در آنجا نساد میشود و او را از آن گذر و برسد زود
 صدقه بایده داد که نا بچشم خدا مستحق نگردد زیرا که هر یک از رسول و پیغمبران و فرشتگان ازاد و خوا
 ببیند خواب راست باشد که شایطین بصورت انبیا و ائمه و اولیاء و اوصیاء و فرشتگان تو لستند
 شد و اگر کسی آدم را در خواب ببیند حضرت انبال فرموده است آن حضرت را در خواب ببیند بخت
 که آنکس مهر و بزرگواری کرد و قول تعالی انی جاعل فی الارض خلیفه اگر کسی فایده از خواب ببیند
 مؤمن و مقصدش و باورع باشد اما نمکش و مصیبت زده میگردد و قول تعالی و انل علیهم ثبآدم
 اگر کسی شبت را در خواب ببیند حق تعالی عام و زهد حکمت و فزنده بسیار و همه را از پرورداری
 کرامت فرماید اگر کسی در خواب ببیند عمر شود و از بود شاد گردد و لیکن آنچه افند و قول تعالی
 اندکان عباد اشکورا اگر کسی بکشتی نشیند ببل بر نفع است اگر کسی را در خواب ببیند و غمت

مصحف

در بیان آنکه هرگز نباید

و بزرگی باید فوله تعالی و در فناء مگانا علیا اگر کسی بر همه زاد و خواب بیند فضا خلیات بیند
 و بر کارهای خیر راغب کرد و رنج کند فوله تعالی و اذن فی الناس يوم الحج الا کرا کر کسی استماعیل زاد و
 بیند صاحب مال باشد شاید مسجد سازد فوله تعالی یا ابی اقل مانومر مسجد و انشاء الله الضیر
 اگر کسی هود زاد و خواب بیند دشمن روی بر او مسلط شود و از ایشان برهد فوله تعالی من حذر غایب
 اگر کسی صالح زاد و خواب بیند بقتله افتد و دشمن را هلاک کند فوله تعالی انما مرسل النافه فتنه
 همه اگر کسی یعقوب زاد و خواب بیند زاون طفل با و کرامت فرماید از برای پادشاه و زندی با غناک باشد
 و در آخر شاد شود فوله تعالی و ابیض عیناه من الحزن و اگر کسی یوسف زاد و خواب بیند افزایان بیند
 باز سببی رد و رنج افتد آخر الامر از آن برهد اگر کسی زکریا زاد و خواب بیند فرزند خداوند با و عطا
 فرماید عایشه مشاجب شود فوله تعالی و زکریا از نادیده تباری اگر کسی یحیی زاد و خواب بیند بر هر کار شود
 فوله تعالی که بحمل له من قبل سمی اگر کسی یونس زاد و خواب بیند او در کار خود شتاب کند و زنگی افتد
 خدا او را نجات دهد فوله تعالی و ذات نور از ذهاب مغاضبا اگر کسی یوسف زاد و خواب بیند بددی
 کرد و مالش برود اگر کسی داود زاد و خواب بیند و لک و قوت باید و مهر و بزرگ شود فوله تعالی
 انما جعلنا الخلفه فی الارض اگر کسی ساجا زاد و خواب بیند مملکت و بزرگی باید فوله تعالی و حشر
 و جنوده من الحزن و الالسن اگر کسی داود زاد و خواب بیند بهمان و ظفر باید و همه را هلاک کند و از دشمنان
 ایمن کرد فوله تعالی لا تخف انک من الامین اگر کسی عیسی زاد و خواب بیند مبارک باشد خداوند او را
 فرزند کرامت فرماید او را بمنفعت برساند فوله تعالی و ابروی الا که و الارض اگر کسی عیسی زاد و خواب
 بیند هیچ وجه بود سلطنت و ریاست و غت و زینت و شرف و اگر برای مهری بود مهر کرد و و بر دشمنان
 ظفر باید مراد خود را تمام باید از آن چیز که میسر آید کرد و مالش بسیار بود اگر کسی کرم زاد و خواب بیند
 نعیان و زاده وجه است عله و انصاف علم و عزت و شرف و زینت و نعمت و ولایت جا امر باید
 اگر بر کسی نشاند کارش بالا کبر و غرور و جهان کرد و وجود برکت بسیار باید اگر کسی یونس زاد و خواب

دین افشار قفاہ و سناہ

[illegible]

حدیث از فضیلت خواب

۱۲

سنة

بمكة

الربيع

الاول

الاول

الاول

الاول

الاول

الاول

در باغها و درودهای عظیم چاه چشمه ها کتبها اگر کسی در باغها خواب بیند سلطانی و بزرگی باید که
 بخوابد و باز از خواب خورد مرادش حاصل شود و بر سر قوم شود اگر لایق باشد سلطنت باید که بیند از خواب
 چیزی بپزند و در صدق و مایه ها غسل کرد و بیل دولت و غریب را با تلخ و شور از در باغ خورد و بپزند
 و بخیل شود اگر در عظیم خوش کوارد خواب بیند کارش در دنیا و آخرت غسل کرد از غمها خلاص شود اگر بجا
 بود شفا باید که از از آب برداشت مال و دولت بدست آورد اگر در خانه خشک و رخاال بیند بخت
 فوله غالی الوترانهم و کل داد بهیمن اگر کسی جوی آب در خواب بیند مری باید که از از آب خورد مال باید که
 کارش تنگ شود اگر از آب طهارت نمود از کافران توبه کند اگر آب ببرد در خواب مال حرام بدست باید که در دست
 باشد مال حلال باید که از آب حوض بخورد و مطلبش روا شود اگر از آب بنرسد ببرد شمن ظفر باید که اگر کسی آب
 بنالد بهیمن در خواب بیند با وراثت اجتناب کند از غم و غریب شود و از غم بخارج باید که فوله غالی
 فاجنباه و احباب السیفه اگر کسی از کشتی برون آید از غمها کدود نهاید و نباید که از مریدش تزلزل کرد و بپزند
 اگر چاه در خواب بیند فولد لنال عظمی عاد شود فوله غالی غیاب الحبا اگر کار بر پا چشمه در خواب
 بیند روزی حلال باید که در زانها افتد با حلال با نام بکشد و منفیبا اگر کسی از چاه آب کشد بخورد و بنصف از قلم
 از عام شود اگر بیند خود را در چاه شست از محبت و ج باید با شست و در دوازده عمارت بوستان مسجد
 سناره محرابا اگر کسی شهرستان را در خواب بیند شاد بپزند اگر کسی قصرها در خواب بیند بر بنه اش بلند
 دین او پاک شود اگر در بدر و قصرها داخل شد ببرد شمنان ظفر باید که اگر کسی از قصر برون آید از ریشه اش
 غزل شود اگر کسی قلعه یا حصا بالاشد بر بنه برسد از مهران بنکونی بپزند اگر بیند قلعه یا حصا
 در شهر خراب شد مصیبتی نیست محنت گذرت اگر کسی مسجد جامع را در خواب بیند مظهر بنس شود
 با سلطان و قاضی اگر بیند مسجد جامع رفت علامه برکتش اگر بیند مسجد آباد شد جز باشد کارش اگر
 بیند که خراب شد خاری و ذلت بیند اگر بیند مسجد بزرگ در محبت عمارت باقی باید فوله غالی
 انما بعثتمنا جیدا لله من آمن بآئنه واليوم الاخر اگر محراب و مسجد در خواب بیند که پشت محراب

وَمِنْ بَيْنَ عَمَلِهِمْ وَتَحْتِهَا

کرده است نوکین دارد از همه افتد این کرد و در وقت حمله کاژامنا و نیز فرمود از مساجد و از کعبه و
محراب زاد و خواب بیدار نشود و قاضی شود و اگر بر مناره شود انکس لایق بزرگ است اگر بزرگ است
زیاد شود اگر عوام بود کارش بالا برد اگر عالم باشد غافل شود اگر کسی امام بود در خواب بیدار
و بر کار و متنی شود اگر کسی بیدار که مناره بشکست یا فرو رفت هر دو پادشاه یا خا که و حال
حکام مضاعف کرد در بار هفت غم دیدن عمارت کوشک بوستان در و از به تعبیر شریعت و جهت
رز و غنیمت همیشه و مال و ولایت و کشایش کار و کار و شنا فی راجع است اگر مرد باشد زن میگرد اگر
زن است شوهر میگرد اگر کسی عمارت در خواب بیدار و بزرگ شود اگر امید فرزند داشته باشد
فرزند پیدا اگر غم دارد غم زایل گردد اگر تمام در خواب بیدار تعبیرش عزت باشد اگر بیدار که غسل کرد از خاک
پروانه از فرض بیرون آید اگر بود رخا می تمام بیدار که پیش از آن تمام بوده اند را بخازن میگرد اگر تمام
کرم باشد بنم افند اگر سرد باشد خونیست اگر بوستان در خواب بیدار هشت وجه است زن
و کتیر عیش خوشی مال از غم برهد صاحب پسر شود اگر بالا خانه در خواب بیدار و کتیر مال از غم
این باشد قوله تعالی (فی الغرقات امنون) اگر او را بیدار بزرگ گردد اگر بد از ناودان جاریست
در دست نیاید اگر نزد بازاد در خواب بیدار و رانند و خواصد اگر اسپای در خواب بیدار نام او بزرگ
اگر بیدار که اسپای کار میکند رفاهت بدیدار یا اگر بیدار از کار افتاده است اگر کسی صفت زاد در خواب بیدار
مهر و و بکس کرد از خزانه غیب مال پیدا اگر بیدار و لایب میگرد و بکس هر سال اگر بیدار و لایب بکس
خرید دارد لایب بمیرد اگر کسی هله خواند در خواب بیدار و هله میگرد اگر عمارت زد و کار خوب
در خواب بیدار بر تبه اهل برسد اگر کسی شود در خواب بیدار که میوزد مال بسیار بدست آید اگر آن
که از بخت در خانه فراخ و وسعت میشود اگر کسی چاه و کندار در خواب بیدار زن سلطه بار و چار و
از ادا نشد بیدار اگر او جان سوزانده در خواب بیدار بکس باید اگر خواست بیدار و کس بود اگر بیدار
خواب بیدار آنکه در او افتاده است و در حرام با و برسد اگر بیدار و کس بود بیدار بیدار بیدار بیدار

در خوابها و کسبها

۱۴

میل کند اگر کسی بد از خانه برون آمد بعد از بیماری و محنت باید اگر کسی بیدار شود و در بام سحر بر سر
 و بلند دولت حرام میسر آید و بدو می شود اگر بر سر ششاید مال و دولت از دستش رود و او را علم نباشد
 هشتم در بیان بدن عطرا از مشک و زعفران و غیره اگر کسی مشک خواب بیند مال و دولت
 ابدی برای مرد شود و کسب اگر کسی با عطر و خواب بیند دولت حلالست با زن بگوید است و اگر
 کسی زعفران و خواب بیند مالش بدست بیمارستان گردد و طعام بدیده نشانی است اگر کسی با زعفران
 دولت و راحت اگر کسی عود و عطر صندل کل خوشبوی بیند بخت و دست نصرت باید اگر کسی
 که کاهید و برسد اندک بیماری بیند اما اگر سرخ کل باشد مال و دولت است اگر کسی کل سفید خواب
 دید عیب بود اگر جوانی در خواب دید در خصوصت افتد اگر کسی بوی غنچه و خواب دید بهیاز افتد
 باریک من در میان مردان پسر جوان و غلام و کسب و غیره اگر کسی پسر مرد در خواب بیند بخت
 کتابت کارها و زانی نعمت بود اگر کسی پسر زن زاد در خواب بیند بدولت برسد اگر کسی جوان بیند
 مکر و حيله و غیره بود اگر خواب بیند که بر خانه وی آمد سلام کرد یا برادر آمد از غیب یا و رسید
 و دلشاد مکر و دگرها بشی بالا کرد اگر کسی غلام و کسب در خواب بیند غیرت استاره بدولت و
 زکوة می کند مثل مشهور چهری از غایب یا و میرسد اگر کسی کبریا غلام خود را بفرستد و دلشاد است
 میرسد و انشاء علی بابا شمس در میان غسل وضو و نیمه دست بپاشیدن و بابت نماز و رکوع و سجود و خ
 و پسر و زکوة و صدقه و ثوبه اگر کسی غسل در خواب بیند رعم و هدای از فرض خلاص شود و ثوبه شفا یابد اگر
 کسی در خواب بیند نماز کند از گناهان برون آید کاش بالا کرد اگر نماز را تمام کند از شر با تمام رسد اگر
 نماز را تمام نکرد کارهاش را تمام نمایند اگر کسی در خواب با خرچیدن بیند کارش و عیش و شجاعت بود
 و بخت ترند زاده بر خوردار و بهره مند گردد اگر کسی در خواب بپوشد چند فرزند از شور و محنت
 و عیش و دو کرد و اگر کسی بیند در خواب در جاه و عالم و شجاعت و معرفت بود اگر کسی بر بغل در
 خواب بیند از محنت و هدای از منت خلاص گردد اگر کسی بینی در خواب بیند عز و جاه و کتابت کارها بلند

مشک

زعفران

عود

صندل

کل

غسل

نماز

بخت

وَأَيُّ شَيْءٍ مِّنْكَ

و بیند بهتر بود اما اگر باره و آینه بیند مال و عمرش نقصان بیند اما اگر کسی در خواب بایستد بیند
و شادمان بود اگر کسی در خواب بیند بر سر یک صاحب طایفه بسیار نایب در کسی
یا کسی در خواب بیند بایستد بر سر مال لا ببرد و اگر کسی که مرده در خواب بیند بطلبید فوله
تعالی (و تمار و مصفو و ذرات مبنی) اگر کسی جامه سرخ در خواب بیند و در غیر یاری
آنکه سیاست سلطان بود اگر کسی جامه سفید در خواب بیند مؤمن شود اگر زرد بیند بیمار گردد
اگر کسی سبز و شد صاحب صلاح گردد اگر جامه سیاه بیند مال او رنجد اگر جامه آبی بیند
صاحب آفت شود اگر کسی زنی در خواب بیند سرش زرد شود اگر زرد بیند در خواب بیند بر سر
ظفر باید اگر کسی در تخت نشیند دولت و عزت برسد فوله تعالی علی الاطلاق متکون اگر کسی بر تخت
روان نشیند سرش زرد بکشد اگر کسی که زرد نشیند اگر مال و دولت باید چنین گوید حضرت یوسف بر کوه
نشست پیش عزیز مصر رفت صاحب مرید اگر کسی بهودج نشیند بر ابالت و حکومت برسد و اگر کسی
سازنده یا خیمه در خواب بیند سلطنت برسد اگر سوز در خواب بیند که خدا بارش طایفه او عود
خواب بیند صاحب قدرت شود همچنین سایر چیزها که شبیه الله اعلم بالصواب است از هر زبان
و بندگان و نور و خاکستر و غیره اگر کسی یک ذره خواب بیند زن بگیرد اگر کسی نور زاده خواب بیند
مهر سماع بود اگر کسی یک ذره خواب بیند حاجت او روا گردد اگر خاکستر بیند مال حرام بدست
آرد اگر کسی شعله آتش بیند ضرر و میکشد اگر انگشت در خواب بیند غیرش مال حرام است و خصومت
در سوائی افتد باید بگوید که غایت و غیره و خبری کرد و الا ذلیل و در سیاه میشود و الله اعلم بالصواب
با چنانچه هر مرد و زن بدت مردمان بر زمین بپر و سیاه اگر کسی بدت در خواب بر همه بود
مرد مؤمن و پارسا شود از همه غنا و احسان یابد و خیر و برکت بیند سنا زد پنا بود اگر کسی بیند
که زمین گرفته است یا سیاه او را میدرد اگر در بیم و رنج و محنت افتد از ترس و الله اعلم بالصواب
و از نازنی هم در بیان رنگ و در حجامت کردن و موی و ریش سوزن اگر جامه در خواب سوز

حز. بجلالت ملائک و ملکوت و رفیع و عظیم و عظیم

در بیان دین و عقاید

۱۷

باشد کارش بگوید از غم فرج یابد مسوره نباشد بدست اگر کسی بزند زاده در خواب بیدار شود
 یا خون سپید و لثه سپید است آورد و در گفتن اگر گفت از رگم خونی میاید و لثه میاید اگر کسی
 در خواب افتاد و خونی از بدنش رخت تمام شد یا جلش زد یا نشد بگوید که کسی خواب ندید که بیدار
 یا بخواند و مستطاد و پیدا کند سنت رسول خدا بجا آورد اگر جوان نبیند نکست بر آتش
 شادمان کرد اگر کسی در خواب بیدار نشد و در میبکند غمی بود برسد از جهه خواب فرزند اگر
 کسی در پیش بیدار رخت بر دم باد و چنانکه عادت بود بگوید اگر کسی موی سر زن در خواب بیدار مان
 کرده در زن خود مادر مای دیگر بمضرب مرتبه و ریاست و سد فوله تعالی و زاده بسطه العلم
 و الجسم اما نقصان بدن او بود اگر کسی خود را لاغر دیده در خواب اگر مکشون و مسوره باشد
 باید کارش را لا ببرد و اگر مسوره نباشد عیالند قهری روی و در آخرش منت بدست آورد و عیال
 باریش از کس هم در بیان بدن از اریسی و خوره و جذام و زردی و ابله های و ریشای و جوشها
 و غیره اگر کسی بیدار بدن خود مال حرام است اگر کسی پسی و خوره و برص در خواب بیدار نباشد
 هاز است اگر کسی در هم و زردی در خواب بیدار مال منفعت اگر جوشش یا پیا جزا چهارم بدو و ناخوش
 صدقه باید داد اگر ابله بیدار مال حرام است یا زخمی در بدن بولد و غایب اگر کسی در خواب بیدار
 بول میکرد از غم تاجان باید و کار وی کشاده کرد اگر کسی در بدن بول میکرد از غم تاجان باید و اونی بامه
 و غیره هر نکست اگر خواب بدید که در و برش بود و توانگر کرد اگر بیدار بود ازاد کرد و اگر غمگین بود شاد
 کرد اگر بیمار بود شفا باید که او اسیر بود خلاص بود اگر غایب در خواب بیدار کرد از همه غمها برود
 و در پیش از شود با سزا است افتد اگر غایب دیگر یا خواب بیدار که الوده شده مال حرام بیدار افتد اگر
 کسی سر کین جوانان را بیدار نباشد هنر است اگر کسی در خواب بیدار چون از موضع بر آید کتایش
 کارها بود از ادبای دیگر بیدار شفا بود در میان مردم استخوان نشسته بوز برای زلزله اما طهارت است
 مال حرام است چنانکه مال و موضع کین و زن و زن و خادم و عیال اگر سبک باشد در خواب بیدار

خواب

بیدار

بیدار

بیدار

بیدار

بیدار

بیدار

در سائر فضایل و مناقب

[illegible]

A

1

۱۵۰

信

五

بیت

卷

四

卷之六

一

دینا کھنڈ شمشاد

و گویا از مفسران گفته اند که مال دنیا بخت است و دولت مفروض گردد که بپوشند و فلوس و دیواری
نوبه است چنانکه هیچ بنگا بر نکرده و اگر ضاع بپند از بخت مال و می بینند اگر کسی کند توبه کند اگر و
در خواب ببیند و گت بدست آورد اگر کسی خواب ببیند مال لال بدست آید اگر کسی خواب
ببیند غیر اینها مال و دولت است اگر کل نمند در خواب ببیند از برای سلطان و لایث بگویند اگر کسی سر شهر خواب
ببیند بزرگ دولت و نعمت بود اگر کسی سکه در خواب ببیند برکت برکت مثال او ببیند اگر کسی در خواب
دولت بود اگر خلیف شهم در خواب ببیند بپاید است آورد قله تعالی (و چنانکه از خواب) اگر کسی
روغن ببیند توانگر گردد و شاهد باریک بپند در میان بدن و دستانی شمع و چراغ و قندیل و شعله
و در شمع و تار یکی و مانند اینها اگر کسی در شنائی در خواب ببیند که از او سبک بود و دولت نعمت و عروج
اگر در خواب ببیند که از بام برجی بپایم دیگر از گای بگاد بپوشد از غل و سبک دیگر سوجه نبود اگر در خواب
دید با فرو داد بپایست که معند از حد خانه را مصدع عظیم روی حد صدقه بپاید اگر کسی شمع و چراغ در خواب
ببیند با قندیل و شعله و تاب و نسج و تری باشد از دولت و خوار و خلاص شود و کارها بشوایا اگر کسی
که در دست او قندیل و شعله و نور خاموش شد عمرش با خور و سبک از کافران توبه کنند اگر در خواب ببیند
چنانکه ببیند اگر کوه چتری بدست آید و در دست بپوشد اگر کسی در خواب ببیند غل چتری بپوشد
باز بپوشد در بپاید بدن در جراحت و پدید در هم و غل و سبک بپای اجسام اگر کسی با فونت در خواب ببیند
مال و فرزند که بپاید اگر کسی بپاید دولت و غنیمت گردد در خواب ببیند عطلت بپاید اگر کسی
در راه دیده در خواب ببیند فرزند است اگر الماس در خواب ببیند باز بر حد بپوشد اگر در خواب
ببیند بستان آید اگر بفرزد در خواب ببیند از طرفین مال و نه اگر در خواب ببیند از غل و سبک بپاید
و حلوا اسناد و منزه است اگر کسی شمع و سبک در خواب ببیند آنکه مصدع بپوشد اگر کسی در خواب ببیند
با بار دارد بر پاست و بزرگی بپوشد و اگر ببیند که باکی دارد از غم و فرج و از بیماری و شفای بپاید
اگر کسی برنج و مس و قلع در خواب ببیند کارها بشوایا اگر کسی در خواب ببیند از غل و سبک بپاید

در حیرت

در تبت نایح و عمامه

در خواب ببیند غیر شتر غصه و کدورت و مذلت است تا اگر مؤمن باشد بغیرت میرسد اگر طشت
 و طاروس دنیا طبل در خواب ببیند دولت عزت منفعت زیاد و نهضت از مصیبت و کتابش کار غالب بود که
 مؤمن باشد خوب تاثیر میکند و الا بد است **باز بقیه** در دنیا کفش و مرد و جوراب و جوراب
 و خوب اگر کسی جوراب در خواب ببیند که پوشیده زن میبرد اگر دید کفش را که کرد از تنگی بریزد
 و اگر کفش از پای برود کند زنی را و میباید که اگر کفش او را زد بدند زنی میبرد اگر کفش خود را باز
 کرد تا باز شد زنی را طلا و میباید از برای آنکه بد عمل میشود اگر کسی موزه در خواب ببیند غیر شتر
 مثل کفش است و الله اعلم **باز بقیه** در دیدن نایح و عمامه و کلاه و انگشتر و سلفه و گوشواره
 و نکیه اگر کسی عمامه در خواب ببیند مرتبه اش بلند شود اگر در خواب ببیند در و چهاربغیم بلند
 و مراد های خود را بیاورد فوله مغالی و اسیرن اگر در خواب ببیند عمامه میباید سفر کند اگر دید کلاه
 میکند او را مملکت باید و بدولت رسد چنانکه مرد متاوهود ندعج کند اگر نایح و افسر بر سر گذارد
 پادشاهی است و از اهل باشد اگر کسی حلقه و گوشواره در خواب ببیند زن از اینک بودا که مرد ببیند
 حافظ از کرد و اگر خواهر آد بر ماید اگر خواهر ندارد دختر آورد اگر انگشتر در خواب ببیند ضبط
 ولایت و مال باشد اگر مراد داشته باشد حاصل کرد و اگر عقرب زد و سلفه در خواب ببیند خرابی و
 اگر انگشتر پنج یا سه در خواب ببیند محنت اگر اهر در خواب ببیند بخت و دولت و قوی شدن کار و فاد
اعل **باز بقیه** در بیان جامها و نکیه از شلوار و دستار اگر کسی شاد و خواب ببیند زن بودا که
 شلوار در خواب ببیند مهر باشد اگر پای و مننه در خواب ببیند از منته خلفان این کرد و اگر
 کرد در خواب ببیند عزت و فون باشد اگر ببیند که گریه میکند است بزدل کرد اگر ارش حلال بدو رسد
 اگر دید که گریه بار نشد نصف عمرش گذشت اگر کسی عمامه در خواب ببیند عزت و دولت اگر چادر
 ببیند بغیرت و جناب میرسد ثوبه از نگاهها کشد و رودا که بر اهر در خواب ببیند که بوی مال باید خوشحال
 شود فوله مغالی (ادفوایضوضو هانا) اگر کسی در عمامه در خواب ببیند که بوی از تن میبرد اگر

نایح
 عمامه
 کلاه
 انگشتر
 گوشواره
 حلقه
 شلوار
 دستار
 جامه
 نکیه

در بیان غل و زنجیر زدن

طبعش از خواب بیدار نیاید بود که اگر کسی که از مغنه یا با سر در خواب بیدار شود و بگوید
 اگر مرد باشد زنت میبرد کار مرد نبیند بشود اگر مرد بد مغنه در سر کرد الله یا کتیر میبرد اگر زن
 مغنه کند موهر کند اگر شوی داشته باشد کار این کند اگر در خواب بیدار بود که او بخت شده است و نما
 عزیزان باشد عزت و حرمت هم بود اگر کسی که در خواب بیدار ماند سر بسپار یا کتیر یا و رسد مردم
 خوش شوند یا بخت هم در بیان غل و زنجیر زدن و دام و چوب زدن و سوزاندن اگر کسی
 در خواب بیدار راه راست بود مهری بزرگی فوله تعالی و اعظموا بحمل الله جمیعاً راه راست منوی و ع
 دین بود و بخت دزدان و مسافر و بطر رسد اگر کسی غل و زنجیر در خواب بیدار و ضلالت و بلای
 و بخت فوله تعالی (انا جعلنا فی اعصافهم اغلا لا) اگر دودست او را بسته اند آنکس باید نوبه کند اگر
 کند و حلقه در خواب بیدار که در پای او ستان یا بشود خست بسته اند کارش بسته کرد اگر کسی دام در خواب
 مکر و حيله بود اگر در خواب بیدار که دام افتاد کارش اگر بیدار شد انداز شوند اگر زن دارد خواب
 که در افتاد بند بر پای او زدند یا زنجیر بگردن نهادند فروغ و پریشان شود اگر دید که از زندان
 شد و شتر آمد بشود اگر کسی بیدار چوب یا باز بانه بوی زدند بعد هر چه در بناری بدست آید اگر می
 در خواب بیدار و فستق افتد که راه شود اگر بیدار که فستق بدست آید یا شود بیماری او طول کشد اگر کسی هر دو
 بیدار بیدار شود و دروغوی شود اگر بیدار که فستق بدست آید یا شود بیماری او طول کشد اگر کسی هر دو
 سوزن در خواب بیدار بفرود و رنج بسیار کشد اگر بیدار که در خواب بیدار مال بود اگر دید که رنج
 میرشد غایتش از سفر آید و الله اعلم یا زنجیر در بیان غل و زنجیر و نکاو و بوسیدن و تکار کردن
 جماع کردن و نشاط و هو و لعب سرور و مهمانی و خسته و عرو و سوا کرد بد عرو و سوا میکند از سلطان
 با و میسر آید او بخت کند مکر زنبکه با و مدنیست بخت و عزت و عرو و سوا بود و آنکس است یا حقیقت
 و بخت کردن و مراد یافتن فوله تعالی (فانکوا مطا بکم من النساء) اگر کسی خسته کند و
 شادی و دولت است مگر اینکه رخصت کند و پای بر زمین زدن انوفت نوحه و مانع بود اگر بوسه

در بیان خواب و بیداری

۲۵

تجربیه پادار در سفری جزی باید کرد مستی بپایند و خواب بپایند و فتنه بپایند و طول عمر و عیش کرد
 اما او را باد و ست غریب جدائی افتد و به بصره کند فوله تعالی و لا تطعن ابدا بکم و ارجلکم من خلاف و اگر چه
 دار کشید نژاد در خواب بپایند و بیداری باید کرد اگر استها گوید و در خواب بپایند انکشافش بریده کرد
 کاری میکند از تعالی از بپایند و در دام افتادن نفقت بپایند و مصیبت بود از جهنم منسوبش اگر
 استخوان بود در خواب بپایند مال و ثروت بود همه استخوانها در زمین فروام مردم بود هر چه از او شکسته بود
 هلاکت هر دو بود و فرموده اند که کی از کارها اندک مصیبت بود و الله اعلم سوره قمره و بختانای و طبر
 و بریط و چنانکه زباید و سنج و زنج و نود و شطرح بدانکه آوازه در خواب بپایند بغیرش مانع است
 و سخن ناخوش و گمائی زدن و در فقر کردن مصیبتش اگر در خواب بپایند شاد و شادی بود و بخت و نفع
 اگر خواننده در خواب بپایند با جوان باشد یا بد شوق حین کند اگر پیر باشد سخن ناخوش بشود اگر چنین با ربط
 بپایند با چنانکه زدن از فرزند ماهی شنید بغیرش مانع است اگر کما بچه در خواب بپایند که زنده بپایند شاد
 و راحت اگر کسی در فتنه بپایند یا کسی بدغم بود اگر کسی نار بپایند بپایند یا بپایند عرده شوق اگر کسی شاد
 در خواب بپایند که میشود یا بپایند بغیرش مانع است اگر کسی شطرح باخود در خواب بپایند بکار نا اطل افتد
 اگر کسی نود و کجفه در خواب بپایند یا بپایند تعالی عاصی شود فوله تعالی (انما الحشر المبر و الانضیل
 و الا زلام رجس من عمل الشیطان) اگر پیر بپایند و خواب عظیمش فوله باید کرد و نصیحت بفرموده باید
 اگر کسی بپایند و جسد در خواب بپایند بپایند یا بپایند از پیل کدشتن از غم بپایند یا بپایند جسد بپایند
 و بپایند ضعیف بپایند یا بپایند جسد بپایند یا بپایند شاد بپایند و سر رشته از دستش به پیر و د معطل مانع
 و الله اعلم سوره قمره و بختانای و طبر و بختانای و طبر و بختانای و طبر و بختانای و طبر و بختانای و طبر
 کو حوال باخود در خواب بپایند عزیز کرد اگر بپایند که میفرودخت از زان شود اگر بپایند که جو و کدشتن
 میکند از زان بپایند که بپایند یا بپایند و جو و کدشتن از زان بپایند که بپایند یا بپایند و جو و کدشتن
 ضرر رسد اگر بپایند جسد بپایند یا بپایند جسد بپایند یا بپایند جسد بپایند یا بپایند جسد بپایند یا بپایند

بیداری

فتنه

بخت

کج

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

کتابخانه ملی افغانستان

اگر بیدار از دشمن یا شیخ یا برکت از محبت اسیر گردد و بر آنچه نصیب او گردیده که در میان نظر یابد و در
آن کمتر از بیدار بد نفس است و خواب بیدار شدن را بکشتن از کشتن نفس برسد و خواه نفعی (و من قله ما
نقد جعلنا اوله سلطانا) از هر چیز خوف کند از دفع ناله و کشتن آنکه نیت و نیت در بیدار بیدار
بدانکه مجبور در خواب بیدار ملال الموت بود اگر در خواب بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار
و عدد کند که هیچ جوان نکند لاد و زح جای او باشد و در وقت و من نیت نیت نیت نیت نیت نیت
معروفه و خواب بیدار که با او صحبت کرد مردم بیدار کرد اگر نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
کرد که مردم نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
کسی یا کلو بر بیدار نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
افتد اگر از آن گوشت مجور دیا او عذاب کند اگر کسی در خواب بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار
مردم نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
حسوت کند و منفعت از آن برده کرد و او عذاب و دفعه او در که در آن کسی در خواب نیت نیت نیت
بیدار اگر از راه از آب خوف و فرغ رسد اگر خطیب یا عظم باشد نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
که اخوش بر سوزا کند اگر کسی در نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
مناجات خواب بیدار نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
بر مردم بر نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
کسی بر نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
باشند خواب بیدار نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
فرمانی کند از هر عبدی از غم بزرگ کرد اگر مردم در نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت

البته از خواب راست بیدار گردیدند روز عید روزه گشاده و مرغها انوار لایب از قحطی این شوند هر کس
خواب دید و روزی بر او زیاد میشود اگر در خواب ببیند و زخمی شده است و بگویی بود بر آنکه مؤمنان
عبد است اگر کوفته باریه بیند با و بختند غنیمت بود مانع از آن باید که ببیند مال حلال باید از طرف
دینا که ببیند که کوفته او کم شد کار او بصعب افتد چنانکه از آن غنا ناک شود اگر ببیند آلات کوفته
از دینه و سپه و گوشت روده و قلو و غیره در خواب ببیند همه خیر و برکت بود و بخت و دولت
اگر ببیند که پیش او را فرو کشید پس از پیش شریف و مبارک اگر کسی گوشت بزغاله در خواب ببیند
که بخورد مال حلال است آورد بعد از کف کوی بسیار اگر برة و بزغاله در خواب ببیند پس اگر زن باشد
باشد بکند نام حلال زاده بخور بختیله بسیار باشد اگر کسی فرج در خواب ببیند پس از پیش که جنگ کند اگر
کسی ببیند خروس جنگ میکند از آن خان نفع قلیل با و میرسد اگر ببیند خواب ببیند مرگی با خطر که
دوست باشد اگر ببیند شبان میکند حاکم و لایب شود اگر ببیند که از قصه گوشت خورده ثواب فرشته
نماند مصیبت شد اگر ببیند که سر کوفته بخورد مهری باید که با چه ببیند سفر کند اگر سر کوفته
در خواب ببیند با بخورد دولت باید که بکند کوفته پد مال است همچنین سایر جگرها اگر در خواب
در خواب ببیند با بخورد مال بسیار است آورد از جانب که کار نداشته باشد اگر روده کوفته در خواب
ببیند با سپه با غیره همه دولت است بخورد در میان بدن او و خر گوشت و خر کا و کوهی اگر ببیند
از این چیزها سکارا اما اندیشه کرد گوشت او را بخورد با کسی حد برد شمن ظفر باید هر چه گوشت او را
در بخورد خواب و دولت است اگر شور و ترش در خواب ببیند که بخورد غم باشد اگر در خواب ببیند که خر
او شد چنان از آن که صید کرده و بخت کرد او را بکشد طعام شود و بخورد و غنیمت باید و چنین
و برکت ببیند اگر ببیند که در وحشی با هم نزاع کردند بر او فتا باشد اگر با خوشمناعت کرد افتاد
آمد خوشتر لکشت بر مرید غالب باید که خوش بر او غلبه کردند بخلاف آن مرید بر او غلبه کند
اگر در خواب ببیند زده حریف کند اگر قبل برهنه بود زنی را بچسبند آورد اگر قبل از آنکه کند

9

تاریخ



五

五

۱۰۰

五

卷之四

[illegible]

در بنده گاه و غیره

انتر از اسخر کندا کو بر بند جفت شد ز نثر را طلا و دها اگر خدمت قبل از کرد سلطان از خون بود
 بنده قبل از شهر شهری میگردید ملک و سلطان از او بود اگر قبل از یکشنبه مرد بزرگ از خدمت
 معهود کرد اما گوشت و پوست و دندان قبل همه مال بود اگر بنده که قبل بر او حمله کرد یا ضایع
 حذر باید اگر قبل ماده بود از در سلطان حذر باید اگر سر کین قبل در خواب بنده مال و دولت و جنة
 اگر کسی کار و پیش در خواب مرد بزرگ باشد از اصحاب سلطان اگر بنده بر کار و پیش دست یافت بر قوم
 خود دست یافت بر مردمان بزرگ که دست باید مهر اگر کسی کو ساله در خواب بنده دولت
 باید و گوشت و پوست سر کین او همه مال است اگر کرد در خواب بنده دولت باید بغیر بنده
 اگر کرد و در خواب بنده که بر وی سوار است بغیر شد و دولت اگر از کرد و زافناد از غریبه خود
 عزل کرد یا اگر خر گوش در خواب بنده زن میبرد اگر او در خواب بنده زن و شیر میبرد
 اگر بد او را یکشت از فضا یا از پیش یا از جماع کندا اگر او زن یا غلام جماع کندا اگر نهاده
 کاود و خواب بنده زن بگوید و هر چه بد بنده در خواب بنده نماز است اگر بدد و بدست او
 برود از جنة زن عم خورد اگر بنده ماده کاو یا او را در دست رسانید زن بکنز خود زارها اگر بن
 او در خواب بنده یا باید پیش هر و حشر که در خواب بنده همه دلیل فرزند است اگر نهاده باشد
 دلیل خراست اگر کسی بخورد و سیر نشود از دولت و بناسیر نخواهد یا **چهارم** در بد
 کاو و آلات و عشا اینا اگر کسی کاود در خواب بنده مال بود و عمل اگر بنده بر کار و سوار شد و با
 بر سر او آمدن مالهای زناده و بنت اید اگر بنده که کاوش از دارانجا که بود بیشتر بر او عملیکه دار بود
 کردا اگر بنده که جو یا کند مهر کاو نهاد بخانه آورد و زدی بآدمیش و اگر کسی خواب یا بخورد
 مال بسیار از میراث بدست آورد اگر کسی شکر کاود در خواب بنده دولت باید یا بدست او
 اگر پیش کاود در خواب بنده و پوست بغیرش مال و فرزند او و فرزند او کردا اگر کو ساله بخورد یا
 با او جاک زن یا ماده بخانه بر دم و مصیبت یا بنده اگر بنده بر کاس یا نشسته بزرگی و مهر و سرور

در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه
 در بنده گاه

الحمد لله الذي هدانا لهذا

با چنانکه در بیان بدن و سر و پهل و الاغ و غیره اگر کسی بنشیند و خواب بیند که سوار بر
 پادشاه شود اگر از قبل بر او افتاد از مرگش خود پیشتر بکشد اگر کسی از دوز بیند یا از رگش
 کرد اگر بخیر قبل بیند بگویند میرسد اما با مبدی در خواب بیند و نشسته باشد و الاغ و جگر و الاغ و غیره
 قبل خواب بیند از مرگش که دارد نترسد باز برسد و بگوید که خدا عالم بالحق و آیت
 در بیان بدن و حلق و کلاغ و کبک و موش و غیره اگر کسی خواب بیند که شکار میکند و
 بد اصل بد فعل بزرگ میشود اگر کسی بخواند در خواب بیند که حمل کند اگر مرغان او کند بر او
 غالب شود ضرر بود برسد اگر موش در خواب بیند بر زن بد عمل و چاش شود اگر خواب موش ببرد
 زن فاحشه بگذارد و از آن صورت با و میرسد اگر بخیر موش در خواب بیند بر زن فاحشه و چا کرد و اگر
 موش از بس بیدار نمیشود از بیدار اگر شوشه در خواب بیند مردم خوشبین بودا کرد و خواب بد از آن
 اگر چیزی بر بدن آید و بر سر آید اگر خواب بیند مادر یا بر فوق پیشتر کرد از شود اگر کسی شکار میکند
 بود اگر با بزرگوار کرد غالب شد بر دشمن غالب شود اگر یکشنبه شمن را بکشد اگر بد مار را در
 کرد یا در یکشنبه و یکبار پادشاه است و کز نشسته است مال و نفعت آید بد مار یا یا او آمد مصیبت
 اگر با کبک بازی کرد بد بیاورد از چهل شتمند رد بگذارد و خاکست کرم خرچنگ و غده در میان
 اگر خواب کرد از کباب بر زن بیدار سلطان بزرگ بود اگر خواب بد بر او در هاد سلف بر مردم
 دالم و دشت آید اگر غلبه شود و خوار بد مردم و زاهد بود و نوشته شمن و مظالم و انجیل و غیره
 اگر کسی کرم در خواب بیند شمن و ضعیف بود و غارتان سلطنت اگر بیدار کردم او را از دلم بر بد
 کند اگر کسی کسب خواب بیند بد است میرسد یا اگر خاریست بیند بجز سوزاند که بد است که در او را
 بکشت بر دشمن ظفر نباید نشسته اعدا یا چنانچه در بیان بدن و شمن او کشت و پوشنا و اگر شمن
 در خواب بد سالها بود اگر کسی نا بیدار از غت کرد ماز غت کرد اگر غالب شود بر دشمن ظفر نباید
 غلبه شود بر دشمن بر او مسلط کرد اگر سر کین شمن خواب بیند از احشا و الاغ و مفعول که بملک

در بیان خواب و بیداری و تفسیر آن

گفت پادشاه امدا و زاد دولت عظیم رو بدهد و کار عجب او را پیدا شود گویند بفرستد زنی باشد
 شرعیه پاکیزه پارسا بود اید اگر بیدار سهرغ در دست است و چپا پریدند خود را طلا
 دهد بعد از آن کارشما شود اگر در خواب ببیند که او را بگرفت پادشاه پادشاهی پارسا باید پادشاه
 سلطان کرد اگر گوشت او را بخورد با استخوان او بافت از سلطان باید کار او بالا که پادشاه
 او را از باز دارد اگر ببیند با شمارفت بازگشت سفری کند در آن سفر میرد و استخوان پر گوشت او
 دولت اما اگر کسی عظام در خواب ببیند سلطان شود و بزرگ قوم کرد اگر کسی بوم در خواب ببیند
 که بگرفت بهما کرد دنیا با کس و ستی کند که اهل فن و فضا شود اما گوشت پوست سر که هر
 مال که چرخ در خواب ببیند یا ببرد یا بکشد و حشوی گوشت او را در خنجر یا کین یا ریش ببرد
 اید اگر حشوی نباشد پیری باید که جنون داشته باشد اگر چرخ امیخته ببیند پیری نباشد که تابع
 پدر نباشد و لیکن ناپاک نباشد اگر باز شکاری در خواب ببیند سلطان پیدا کرد بود و لیکن تابع
 بود اگر ببیند باز را بافت یا بچسبند یا بر کارد بوار بود یا بردشت داشت پادشاه آمد و پادشاه
 باید هر کس او را در خواب ببیند بشارت اگر شاه شود و نقاره در خواب ببیند و لایب بود
 یافتن بود شمنان بود و المملکت کرد دنیا حاکم یا عالم بود و گوشت و پوست او مال و منفعت
 بود اگر کسی کلاغ در خواب ببیند یا مرد فاسق و روغوی و مضاحب شود اگر ببیند که کلاغ بر وی نام نماند
 زد ضرر مال یا و رسد اگر کسی زاغ در خواب ببیند مرد غریب بود اگر او را گرفت غلام گرفته نباشد
 طاووس در خواب ببیند سلطانی بود از عجم یا حشم و جاه و مال بگوید اگر ببیند طاووس را بگرفت یا بافت یا بکشد
 دولت و عزت باید اگر کسی بط در خواب ببیند سلطانی بود از عجم یا مال و حدم و حشم اگر چند بط را که
 و بافتن از کسی نفی بود اگر چند و در گوشت بط بخورد و یا از پوست و یا چیزی بافتن و خنجر
 یا هر چیز که کند اگر بکشد در خواب ببیند زن پاکیزه است اگر ببیند او را کسی که از او بکشد یا بکشد
 از او در دشت یا بکشد و خانه خود بکشد یا بکشد زنان و کنیزان بسیار بود اگر کسی مرغ خاکی

۳۲

و بگرفت

و بگرفت

و بگرفت

و بگرفت

و بگرفت

و بگرفت

و بگرفت

و بگرفت

در بیان خوابها که در خواب می بیند و چه کار کند

در خواب ببیند زن بود اگر ببیند مرغ یافت یا بگرفت یا از بی باک بگری بگرید اگر کسی ما بکار ببیند
 خواب ببیند زن باز ببیند یا بگرید اگر مصلحه مرغ ناپدید و لذت کو ببیند زن نیز این سه بیند آمدن و رفتن
 شوهر مرغان باز از آنست از فلان زن لایق باشد یا نه و نیم بخت که من شوهر کرده ام گفت برو نقص کن چنانست
 که گفتن زن بختانه خود آمد از شهر خود و بشوهر خود گفت احوال سپید شوهرش نام پدر و مادر خود گفت
 بعد از آن گفت میدانم مادر من را این شهر است و نا بابت اکنون مرد و ساله بودم پدرم در زمان
 ولایت کرده است اکنون باز آمده مادرش این سخن بشنید فریاد کرد گفت فرزند من هوس و عیب از
 رفت در میان فرستادن فرزند کند و داده سال ساخت کرد تا اجلش رسد اگر کسی خروس را دید
 مؤذن بود یا مکر و حيله و جفا کار باشد اگر نت باشد نصیرش خروس است اگر کسی رنج در خواب ببیند
 مشکو بود روی بوی او اگر کسی ببیند زاج گرفتن باز خوب روی دست یا اگر کسی هزار دست از خواب
 ببیند فراتر بخواند و خوانند و سرور و مطرب خوش او از اگر کسی شرمخ در خواب ببیند مردی بخواه خلق
 دور که با کوی پیامند از اصل بزرگ بود کرد خواب ببیند که شتر مرغ آبگشت بر مرد بزرگ ظفر ناپدید
 اگر ماده بود زن بار نشا اگر کسی کجشت در خواب ببیند یا بگرفت دولت منفعت ناپیدا اگر کسی
 لعل در خواب ببیند مردی بزرگ بود بوی او غدار اگر کسی ببیند بگرفت یا بگشت بر چنین مرد دست ناپدید
 اگر طوطی بگرید دولت ناپیدا اگر بلبل در خواب ببیند علامت فصیح بخشد اگر کسی فتری در خواب ببیند غلام
 و کنیز دولت بود پوست و گوشت او همه دولت بود اگر کسی فاحشه در خواب ببیند زن غلام
 مخالف اگر کسی مورچه در خواب ببیند زن یا کنیز بود مؤنه و ناپیدا و بنکور روی اگر کسی مود و خواب
 ببیند زن بود یا کنیز اگر همد در خواب ببیند مرد بضر بود اگر کسی همد ببیند که بود درخت نشسته
 غایب یا درسد اگر کسی ستره در خواب ببیند بنکور بود اگر شب بیه در خواب ببیند دشمن بوی سپید
 اگر بیل در خواب ببیند غنیمت برکت اگر ببیند در خواب ببیند بیدار شود تا بختش
 در بیان بد و نیک و موهبه و کرم سپهر و عجز اگر کسی زنبور در خواب ببیند باز از خود مضطرب کند اگر

در بیان خوابها و تفسیر آنها

ولیکن در شرف خواب از او غافل نباشد که مانند کرمی بر آستان افتاد کند اگر
 پیشتر شود هر چه از مار در خواب ببیند همه بر این است بایک است همه در بیدار شدن
 و جزویان و جادویان و کاهنان و امثال اینها اگر در شرف بیدار شدن مکرر و اینها که در بیدار شدن
 اگر بری در خواب ببیند مرد در بیدار شدن دروغ گوئی که مال از کارش را طاعت است اگر جن و غول یا بان در
 خواب ببیند نشانه بود اگر جادو و در خواب ببیند شرف جانی است اگر ببیند در خواب ببیند از راه باطل
 بر میزند اگر کسی بایشان دعوا کند غالباً مدالینه در هزار فاقم و اینها اگر در خواب ببیند از راه
 از آن بی بهره ماند بایک است اگر در میان اهل بازاران اگر کسی از خواب ببیند که از
 او بخت است بر چیزی حاکم کرد و اگر صیقلی در خواب ببیند و نرو لایق کرد و در خواب از راه
 نمیزد خدا اگر کسی غواص ببیند مردی در لیا و هر چه خود از آن باید اگر کسی در خواب ببیند
 سخن چهر است اگر سراج در خواب ببیند توانگر و نیک باشد اگر در خواب ببیند در خواب ببیند
 انگر فریب دهد از راه راست بد بردا اگر خردی بود و عطا مردی کند کار زنان بود در خواب
 نزدیک بود اگر خطا ببیند مردی باشد جو کند اما مردی بوی بوی گویند اگر کار در خواب
 ببیند غلام باشد و کار از آن دنیادوست اگر کسی در خواب ببیند مردی که مال مسلمانان را
 کند اگر کسی که با سر فرزند در خواب ببیند مردی مسافر بود اگر کسی در خواب ببیند
 سفر کند اگر کاش در خواب ببیند مردی مصلح کرد اگر کوزه کرد در خواب ببیند مردی بابر کند باشد
 اگر مرد غایبی در خواب ببیند بر صلاح مسلمانان سوخت اگر از خواب ببیند مردی در خواب ببیند
 باشد اگر فانی در خواب ببیند مردی مسافر باشد اگر تفرات در خواب ببیند مردی محب و بدین باشد
 کو چو لاد در خواب ببیند مردی بهر شرف باشد اگر شرفا در خواب ببیند مردی نباشد مذبحا اگر در خواب
 در خواب ببیند تا ابد به ناخبا باشد اگر طراز ببیند مسافر است اگر در خواب ببیند مردی در خواب
 نباشد اگر کو حیرانی در خواب ببیند مردی نباشد بهرینه اگر تفرات در خواب ببیند مردی نباشد

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

卷之四



卷之四

卷一

五

五



三

در حین امانت مثل زنهار

کند اگر سبیل در خواب دید باز آن در منصب رسید اگر پادشاه در خواب ببیند ثواب شود اگر پادشاه
 در خواب ببیند لشکر کسی و مال حرام نباشد و آب بنزد هم مال حرام نباشد و محنت یا بیخوابی و شیفته شدن
 کبر و نرسا و جهل و کلیت در خواب ببیند عبات بود در کار خوشتر یا برکتش اگر کسی نافوس در خواب
 ببیند مرد منافق بود از وی هیچ چیز نباید اگر کسی در ستار است خواب مذک بود در دولت دیگر
 شاد بود اگر کسی بخت در خواب ببیند غم داند و باورسد اگر کسی لوط در خواب ببیند در محال بکا
 از آن خواب ثواب کند اگر کسی فاسق در خواب ببیند ضرر بسیار باورسد که از آن غم یا بیخوابی و شیفته شدن
 در بدین خانه و جایها فرود آمدن و در بدین فرشته و امثال آن کرد در خواب ببیند زنی بنکور و بیجهت
 با او پیش خوش باشد بمعاشرت لطیف زبان باشد بود اگر کسی در بزم در خواب ببیند برکت
 و نعمت است و سلامتی اگر مردی در خواب ببیند بوالفضل نافه از آن باشد اگر شمشیر ببیند
 کنیزی بود خدمت خود را کند اگر خار و بیه در خواب ببیند و بار و بخت و برکت اگر کاسه خونی
 در خواب ببیند خادمی نباشد اگر طبعی ببیند کنیزی بود خدمت خود را کند هر کس خار و بیه بخشد
 مال از دستش رود اگر شکر در خواب ببیند و زنی حلال نابد اگر سب و ظریف در خواب ببیند باز
 بغیر شخادم و کنیز است اگر در شای خانه در خواب ببیند از هر جنس که باشد کتیر یا چشم باشد که خا
 ساری نباشد هر چه زبانه و نقصان ببیند بغیرش مال عادل و کنیز است بیخوابی و شیفته شدن
 کونا کون و استران و خزان و شیران و پوست و گوشت و خون و استخوان اگر اسب در خواب ببیند
 با سوار شود دلیل عزت و مرتبت بود و دولت و ریاست میرسد اگر ببیند دم اسبش را بریداند
 از اهل و عیال خود جدا شود اگر بد بر اسب سوار شد بهو امیر و عزت و مرتبت او زیاد شود
 اگر ببیند از اسب بیخواب افتاد و مرتبتش تنزل میکند اگر مهاد با سوار شود زنی مؤمن ببیند خود را و در
 اگر ببیند گوشت اسب بخورد و دولت پیدا کرد یا سببها شود رفعت پیدا کرد از اسب ببیند و
 و سوار شود مرد با او میرسد اگر اسب با او بخشد نداد که برود و مرد و ریاست بود اگر مهاد بود

卷之四

رب
نیکو

کتابخانه

15

محمدي

در بیان خوابها و تفسیر آنها

مملکت او بود و او خواهد شد چون برنج و مس ساق او از آهن و بدلیل آنکه بنشیند
 بود که نام مبارک او محمد صلی الله علیه و آله وسلم کرد و او فوی بود و قدمهای او
 از سفال بود از سنگ بشکست دلیل بود که مملکت نو بدست او خواهد آمد کرد برایشان
 ضعیف بود چون صفت سفال از سنگ جز بود که باطل را میشکند اگر در خواب ببیند که مملکت
 کند آنکه از خوف او این کرد و فوله تعالی (وَلْيَسِدْ لَهُمْ مِنْ جَعَدِ خَوْفًا وَمَتَاعًا) اگر کسی سلطان
 در خواب ببیند که او عطائی بپرستد و لایب بود اگر کسی سردار در خواب ببیند که با بزرگان
 مصاحب شود اگر سلطان در خواب ببیند بفرستد شهر را بداد در محله داخل شود بنا واضح
 خواری و سد فشار وی دهد فوله تعالی (إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا) اگر کسی
 در خواب ببیند حلق مطیع او کردند اگر کشتی بزرگ در خواب ببیند بر دریا افتد اگر کسی
 در خواب ببیند که شد است بجزیه برسد اگر کسی ندیم در خواب ببیند روزی او فراخ کرد
 در روزگارش خوش کرد اگر حاجب در خواب ببیند بر قوم جاهل مهر بزرگ کرد اگر کسی مخ
 در خواب ببیند ب مردم دو و عکس ففقد شود اگر کسی شاعر در خواب ببیند در میان مردم مدح
 شهرت یابد فوله تعالی (وَالشُّعْرَاءُ يُبْعِثُهُمْ أَلْفَاوْنَ) اگر معبر در خواب ببیند کارهای بکشتا
 کشته شود و اگر صاحب کاران در خواب ببیند بر امور باطل افتد فتنه و بلاها در و بجا کرد
 اگر کسی اسطراب در خواب ببیند با اصحاب سلطان رفتن شود از طرف ایشان ضرر و زیان باشد
 اگر در خواب ببیند جامه اش چرب شد یا بخر شد مال حرام بدست او آید اگر کسی از خواب
 بیدار شود و اگر کسی چیزی ندید در خواب ببیند بپاشد اگر چیزی سرخ در خواب ببیند مومن و بار سنا
 کرد و در میان مردم مشهور کرد اگر کسی سرخ را بر باد در خواب ببیند در راه خدا شهید شود اگر
 کرازه در خواب ببیند که بر دوش یا ششگاهش ز باد شود نو بپاید کرد اگر کسی در خواب ببیند
 مجبور داند و اگر کسی خود را بکشد مال بسیار بدست او آید از طرف انبیا که غلبه

در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب
 در خواب

در غواص فطران غیر مکر

خود پول و غایط کند مال وافر دست آورد و او را از برای جهال میکند و زیاده را که بجاست
 مال دنیا بود اگر کسی در خواب بجاست بخورد مال حرام است اگر کسی با شکر بخورد همه
 مال اهل است و روزی او شود اگر کسی در خواب آنکس سفید بخورد منفعت باید آنکس
 سپاه غنم است و بیه و هند و آنه و چهار و خواب ببیند شادمانی است اما شیرین
 و امرود و کلا و روزی و دال و بیه و شیرین و مسافر و بیه و شیرین و خواب ببیند هر دو است
 عزیز است اگر از موه های خوش ببیند یا بخورد بر او مسکین نعم برسد بر شیرین و خوش
 در خواب ببیند سپهر یافتند و شاه با و و مثل اینها شیرین هر شادی است و خوش است
 اگر از بیات سفید در خواب ببیند غنای زایل گردد و خوشحال گردد و بخت و دولت برسد
 اگر از ترشها مثل سرکه و سکنجبین در خواب ببیند ماسرامت میرسد یا شکر در دنیا
 دیدن غواص فطران مال و غیره اگر کسی غواص در خواب ببیند طالب علم و معرفت الله باشد
 اگر فطران و مار و وینل در و غنم در خواب ببیند و زبون و بزرگ و امید و بلا بود
 اگر کسی بچاه خون افتد بخون با حق گرفتار شود اگر کسی در خواب ببیند که در شهر
 بار و محله باد و کوچه ناخانه آمد خون ناحق بر زلف و بخت شود اگر کسی ناود از در خواب ببیند
 که از خون میاید زان شهر خونریزی شود اگر ببیند باز زمره جماع کند خونریزی
 شود از کادی که نا امید بود و د زان بروی کشاده گردد و د زان خوشحالی اگر کسی مرد
 بر سه کد سفری از اربابا اگر کسی مرد و داد در خواب ببیند شادمان گردد که خبر بدهد
 بدهد بدولت برسد اگر اگر کشت مرده در خواب ببیند مرگت بارد و سدا اگر کسی باراد
 جماع کند حد کند بخت و بلا ساز افتد اگر کسی جماع کند گافنج بروی افتد که
 کسی با اولاد خود جماع کند صدفه باید داد و اینها صدفه است اگر کسی با باد و جماع کند
 چ کند اگر کسی با جواهر جماع کند بخت و بلاها گرفتار شود اگر با کتخ خود جماع کند بخت

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کونست حرد

رد و سببی بروی روی و مدد اگر کسی چشم کند در خواب بپندازد و طرح خود درازاند
 اگر در خواب ببید که کودمشه برادرش میبرد اگر در خواب ببید که گوشه دار را برپندارد و یا
 خواهر یا خانه اش میبرد اگر کسی از دیده نامادری در خواب ببیند مثل مل و بخت و دوزخ
 و عفرین و زنجیر و زورچوب در خواب ببیند از همه حال خوشحال گردد و در وقت وی
 مدد اگر کسی عاشق در خواب ببیند و پوانه باشد اگر کسی نامه پیدا کند مؤمن و پرهیزگار
 کار او باشد اگر در خواب ببیند که شادمان گردد اگر کسی گریه از خواب ببیند مرد مبارک
 اگر خود را بیدار از راه خواب خندد بد بخت و غصه مبتلا گردد و بیاید از است که
 خواب عالم بهتر است از خواب جاهل خواب مؤمن بهتر است از خواب فاسق خواب مرد پیر از خواب پسر
 خواب جوان از خواب پیر خواب توانگر بهتر از خواب فقیر است خواب فقیر بهتر از خواب جاهل
 و خواب دخی بهتر از خواب شهرت و خواب سلسله بهتر از خواب کافران و خواب خنری بهتر
 از خواب سفری است و خواب پادشاه بهتر از خواب رعیت است و همه خوابها بر این قبیل است
 خواب آخر شب بهتر است این خواب زود تاثیر میکند بدانکه تعبیر اصل خواب را
 داشته باشد و باید دانست هر چه در باب تعبیر خواب بعلق دارد و وقت خواب
 داشته باشد که چه وقت تعبیر دارد و تاثیر میکند و چه وقت طول میکشد
 و چه وقت تعبیر ندارد و تاثیر میکند اول ماه راست و در سنان است در
 ماه راست است و تاثیر میکند ششم ماه باز زود تاثیر میکند چهارم و پنجم
 ماه بعد از نهم ماه باز تاثیر میکند ششم و هفتم و هشتم و نهم ماه خواب است
 همان روز و تاثیر میکند دهم ماه دوع است مرکز راست میشود تا نهم روز و نهم
 بعد از یک سال تاثیر میکند یازدهم چهارم و پنجم و ششم و هفتم و نهم
 شانزدهم ماه زود تاثیر میکند هفدهم بعد از مدتی تاثیر میکند و بیست و نهم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مکر صاحبید

مکر صاحبید

کبر هشی نمی بدید بیا کباب
 نعیر خراب نایف کانه فانی
 علامت محمد مریم اهل العز و مدد
 البصائر البصائر العلو من محسن الریاض
 الشریع من الطریق کاشف البصائر
 الغلال البرانی الملا محمد باقر الاصبهان
 الشریع بالعلماء الجلسه قدس سره
 کاتبه امیر کاظمی

مکر صاحبید

مکر صاحبید

مکر صاحبید

مواضع شیارا عطار و زهره مزج مشرے و حل اور انوس بنطون

مرفوعه غزله

[illegible]

عبدالمطلب بن عبدالمطلب

一

جداول في المبراث لعلامة العصر وفهامه الذمير

مروّج مشربعت خاتمة البيتين افضل

الفقهها واكمل المنهج بالحاج

شيخ هادي دام

افادته

وانا العبد الخالي الخاطي آلفاني بن علي اكرابو الفاسم الجليل

قد طبعت في دار الطباعة

طهران

بمسئبای استاد کامل ماهر في امر الطباعة اقامه احسن طهراني حفظه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ففضلنا لنعمته والمكره لدموره والأعوام معلّم آدم الأتقا وموضع العطاء والآلاء
رسول الرسول الأسعد محمد المحمود أحمد كرم الله محله ورحمة الله واله الأحرار العلما والأطهار
الحكماء وكريم أولهم أنبياء وأعلامهم علماء وكلاما معلّم معالم العلم ومعلم أعلام الحلم وأهلك
الهمم أعدائهم وحقهم وأكرمهم محمد آداله وصل وسلم ووراء حمد الله ومدح رسول الله فاعلى
ما طلب عطاء الأعمار وأدى ما فتن في محضيل الكوز والاختار واستوفى كمال الطلب في الوصول إلى باع
وصرف جلال الأموال بكفه وزداعه ولم يرد عليه في كل عصر إلا واحدا بعد واحد وبدا بعد ساعد و
فعل قبل إذا عظم المظروب قبل المساعدة العلم بالأحكام الشرعية والمباحث الفقهية الفقهية فباله من علم به
يجعل جلاء مراسم الدين والأعلام بسنن سيد المرسلين فهي التعادة التي أعطاها الله عباده وعمر
بها بلادهم فيزدغ بدوره وشروق آداله مصدوره كادت أن تغلب شهر المعرفة لو لم تكن بأكساب لنور فيها
معرفة هلدن والحمد لله كل يوم في سمو وترتبة والشكر له كل آن في علو فهو كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها
في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها والله قد ضرب لأفئد النور مثلا عز المصباح والنبيراس
فليس علم من جميع العلوم من المعلوم وغير المعلوم جامع بين مرتضى الخالق ومقاصد الخلائق والآ
هذا العلم فيه علم الحلال والحرم ويصرف شرايع الإسلام ونظام الحدود والأحكام فلهذا بادد
علماء الأصناف في جميع الأعصا في جمع شئانه وتبيين مكانه فضغوا ما فيه إضاح لقواعده وأرشاد إلى مقاصده
من مبسوط شاذ النهاية في إرزار التشرير ومهدنة هذا بغير الخلاف في البصائر ومن فصيح كاف للآ
في هذا المدينة العلم ومقاس شاذ لاقتلدارك مختلف الحكم وجواهر مفعلة من لا يحضر الفقه من الشبر

المذاب ومعتبرة هي تذكرة وذكره لا ولي الاكتاب ومرسم لعامة هي من طلب من كل باب ولغة للتوالت
موض الجنان في يوم الحساب فضي على ذلك هو رواد دار وقضى على ذلك فزون واعصار حتى وصلت النوبة
الينا ودارت رحى الفضايلة علينا فوافينا وقد حلت رباعة وقصرت رباعة ودلى الناس عن طلبه مدبرين
فاذا بعد الحق الا الضلال المسين وكبارهم من الالام في التلطف وجملة من الاعوام في التأسف الى ان وصل الينا
اجزاء في هذه الصناعة وجلالكم من هذا ما لبثت في هذا الشكل على الحاضر والباد واستصعب في طريق الرشاد
من جناب الفضل والكمال والفقايدة والافضل الذي صنف في افراده علامة عسرواوانه كنز المعالي ذوالكم
العالى خلاصة الدهر واهله وغيث الزمان في محله علامة علم من ليس بوصفه طهر ولا فله سيمان
باريه الهنائي لمضلل في بيضاء الجمل ويا حبتنا من اسم بطابق المسمى ولفظ الحق المعنى ولعترك لولا
ما سبق لابن السعيد من الاشهاد بالسعادة ولا من امك بالشهادة لراشد قد شتى له الوسادة وحلن
للافاة غير متوقفة في معنى هين ولا خارجا من معنى قد بقي منه شئ وقد ادعى ان ليس في الناس مثله
فلا تنكر الا كذا في بواحد ادام الله جلالة على راس الانام ويسلم من جميع الشرور والالام بحمد والى عليهم
السلام وكان من جملة تلك الاجزاء والرسائل والمباحث والمسائل جزاء في الفريض لا بأس بها ولا قابض
فخره بحيث كان يعمل بما فيها حوان برت الله الارض ومن عليها فكشف بعض الغموم منظره وازال بعض الهوى
مخبر وارا حنا من الغيب وخلصنا من الغيب فحمدنا بعد ما طاعناه وشكرناه غيب ما غابنا فقد
والله وسعنا من فضله ما لا يتقنا جهله فرأيت ان ارفقه واصحوا طبعه مع مواخاتى للالام وحوائش
مصافاتي الالام وانتباب نوب السود واقرباب يوم للوعود فوقعتني الله

لحضيل هذا الثواب لاهداء النفع على الطللاب

والى الله المرجع والمآب والحمد لله

وصلواته على خيرته اله

واصحابه



بوجوبه لا يشترط في نسبها الاصل الى اخوانها الصالحين الاخرى وانما هي الى الثالث مع عدم انتفاء من غيرها وبنسبته

المربية الاولى من النسب لا بد من ولادته
 لا يشترط مع لادته او ولادته دون ولو
 حدث من لادته او من لادته في رجب
 والزوج لادته او من لادته في رجب
 انشأ واحد من لادته وان كان ذكره
 ولا يجوز لادته او لادته لادته او لادته
 ما لم يولد له ولد او ولد لادته او لادته
 باخذ كل منهم نصيبه من نصيبه في القبر
 مع بنت الابن باخذ الثلث من الثلثان
 وقال السيد مرتضى في تفسيره ان
 بنه لم يذكر في حقه الا نسبته في النكاح
 بنكاح بنكاحه المشان ولادته بنته
 بالبنات كاد لادته الابن قبل بل لادته
 والاشق سواه كمن يفرق بين الميت من
 طرف الام وما انفرد به الاما مظهر الولد
 الاكبر من الذكور من ولادته القليل بحجة
 من تركه ابنته الجملة لم يتركها بحاجتها
 ثابته وخاعته ومعه ومعه ومعه ومعه
 بل بالقيمة وقبل اعادته على وجه
 الاستحباب لا استحسانا وقاضيه لادته
 بدفعها وفي بعض الاخبار اضافة النكاح
 والرجل والراجله لكتبه السكلا
 ومن ظاهري الصدوق العمل بها و
 هو نادر

المربية الثانية من النسب لا بد من ولادته
 لا يشترط مع لادته او ولادته دون ولو
 حدث من لادته او من لادته في رجب
 والزوج لادته او من لادته في رجب
 انشأ واحد من لادته وان كان ذكره
 ولا يجوز لادته او لادته لادته او لادته
 ما لم يولد له ولد او ولد لادته او لادته
 باخذ كل منهم نصيبه من نصيبه في القبر
 مع بنت الابن باخذ الثلث من الثلثان
 وقال السيد مرتضى في تفسيره ان
 بنه لم يذكر في حقه الا نسبته في النكاح
 بنكاح بنكاحه المشان ولادته بنته
 بالبنات كاد لادته الابن قبل بل لادته
 والاشق سواه كمن يفرق بين الميت من
 طرف الام وما انفرد به الاما مظهر الولد
 الاكبر من الذكور من ولادته القليل بحجة
 من تركه ابنته الجملة لم يتركها بحاجتها
 ثابته وخاعته ومعه ومعه ومعه ومعه
 بل بالقيمة وقبل اعادته على وجه
 الاستحباب لا استحسانا وقاضيه لادته
 بدفعها وفي بعض الاخبار اضافة النكاح
 والرجل والراجله لكتبه السكلا
 ومن ظاهري الصدوق العمل بها و
 هو نادر

المربية الثالثة من النسب لا بد من ولادته
 لا يشترط مع لادته او ولادته دون ولو
 حدث من لادته او من لادته في رجب
 والزوج لادته او من لادته في رجب
 انشأ واحد من لادته وان كان ذكره
 ولا يجوز لادته او لادته لادته او لادته
 ما لم يولد له ولد او ولد لادته او لادته
 باخذ كل منهم نصيبه من نصيبه في القبر
 مع بنت الابن باخذ الثلث من الثلثان
 وقال السيد مرتضى في تفسيره ان
 بنه لم يذكر في حقه الا نسبته في النكاح
 بنكاح بنكاحه المشان ولادته بنته
 بالبنات كاد لادته الابن قبل بل لادته
 والاشق سواه كمن يفرق بين الميت من
 طرف الام وما انفرد به الاما مظهر الولد
 الاكبر من الذكور من ولادته القليل بحجة
 من تركه ابنته الجملة لم يتركها بحاجتها
 ثابته وخاعته ومعه ومعه ومعه ومعه
 بل بالقيمة وقبل اعادته على وجه
 الاستحباب لا استحسانا وقاضيه لادته
 بدفعها وفي بعض الاخبار اضافة النكاح
 والرجل والراجله لكتبه السكلا
 ومن ظاهري الصدوق العمل بها و
 هو نادر

ح

والاخذ بالثبوت

الانساب المحيية لا يراد بها غير النساء من جهة وولاء وامتنان الولاء، ثلثه ولاء الحق وولاء نقص الجبرية وولاء الامانة

من اسباب الارث الزوجية	المرتبة الاولى من الولاة ولاء المتم بالحق ومن يقوم مقامه	المرتبة الثانية من مرتبة الولاة ولا يراد بها غير النساء من جهة وولاء وامتنان الولاء، ثلثه ولاء الحق وولاء نقص الجبرية وولاء الامانة
<p>يرث كل من تزوج من صاحبه كان العقد دائما او معا او شرط الارث في عقد الانفصاع على المشهور للزوج النصف مع عدة من نزل ولزوجته الربع كله ومع له الربع، لما اتفق فان تعدد الزوجات افسهن الحصة بالتوبة ولو تزوج ذوا الاربع بخامسة بعد طلاق واحد من الاربع ثم اشبهت المطلقة من الاربع فالمرءى ثلثا المهر القليل والباقي يقسم بين الباقى بالتوبة وهو المشهور وقبل يفرع وقبل يوفى حتى يصلح ويورث الزوجان مع كل سبب نسب لا يرث زوجة خاصة من نوبة الا من وفهم الالات فالابن وبه دفع اليه من فقهها والمثل اختصاص في الميراث ولو ولد ولو تزوج الميراث ولم يرث من ميراث من ميراثه الميراث ولا مهر ولا ميراث في المشهور</p>	<p>انما يرث كل من تزوج من صاحبه كان العقد دائما او معا او شرط الارث في عقد الانفصاع على المشهور للزوج النصف مع عدة من نزل ولزوجته الربع كله ومع له الربع، لما اتفق فان تعدد الزوجات افسهن الحصة بالتوبة ولو تزوج ذوا الاربع بخامسة بعد طلاق واحد من الاربع ثم اشبهت المطلقة من الاربع فالمرءى ثلثا المهر القليل والباقي يقسم بين الباقى بالتوبة وهو المشهور وقبل يفرع وقبل يوفى حتى يصلح ويورث الزوجان مع كل سبب نسب لا يرث زوجة خاصة من نوبة الا من وفهم الالات فالابن وبه دفع اليه من فقهها والمثل اختصاص في الميراث ولو ولد ولو تزوج الميراث ولم يرث من ميراث من ميراثه الميراث ولا مهر ولا ميراث في المشهور</p>	<p>من كان من الاصل لم يرث به وارت نسبة معتق عقفا لا يوجب الولاة كان من بنو النسيب نساء ينفذ ضمان الجبرية، ينفذ الضامن جبرية المضمون وبه وارت اعلم الا ان بشره العقد بينهما اذا كانا معا لا وارت لهما من نسب لا ولا معتق والشم عدم اشراط الاشهاد في صحة العقد المزبور وان اعترف ببنو عند الحاكم ولا ينفذ ولا ضمان الجبرية الى وارت الضامن في حق الضامن من اشبهت واحدا اشكال ويجوز من واحد لاكثر من احد وهو من العقود اللازمة في المثل لا يجوز لاحدهما ان ينفذ ولو وجد وارت نسبة او معتق بطل عقد الضمان ظاهرا فان ضدا الوارث فهل يرث الضامن ويكشف عدم الانفصاخ او يحتاج الى تجديد العقد والارث الامام فيهما والوجه انهما اذا كان الوارث موجودا حال العقد ثم فقد واولا بالمنع وبه في الزوجات بغيرهما الا على مع الضامن الباقي له ه ه ه</p>

معنى

العقد

١
 رتبة من لا يرضى ولا اقامه
 انكر مانع من لارث اجماعا
 ٢
 رتبة مانع من لارث اجماعا
 ٣
 رتبة مانع من لارث اجماعا

١
 ثم يكن يثبت لارث صلا لا يرضى
 ولا يرضى لارثه في مشقة قبل
 خلع قبل يثبت ان لا يرضى
 عاقره موضع شاذ وكذا و يعلم
 للوحد و ادرث وان كان مستح
 نحوه لكن الظاهر جوبا لا مستح
 ان يرضى من بعد الاجتهاد
 دفع ايراث بنين بعد ذلك ان
 من مندر لارثه ان كان الامام
 حاضر ادفع اليه لارث يضع
 ما شاء وان كان غائبا قبل
 صرفه الى اقره بلدا لم يثبت كما كان
 يضع ايراث المؤمنين وقيل الى
 مطلق الفقراء و ربما حمل
 جواز التصرف فيه لكل احد
 غيره من الافعال وقيل يجب
 له على الاول الثلثة فالثلث
 وجوب فعله الى الحاكم الشرعي
 ولا يجوز ان يتو من بين صرفه
 وقد يضر من بعضهم عدم وجوب
 التسليم على القول الثالث
 وعلى كمال حال لا يجوز دفعه الى
 الى سلطان الجور اخبارا ولا
 حتى ولو كره فلا ضمان و يرضى
 الرضا مع الامام نصيبها
 لا على في الرد عليها ما سبقت

٢
 يمنع من الارث
 كان عاقره صبا سو كان
 كان عاقره كافرا ومسلم قبل
 الموت كان كافرا كان ضام
 المسلم من و يرضى ان كان موروثا
 او اماما الا اذا كان موروثا
 اصلها ولا و ادرث مسلمة
 فبيح الكا من دون الامام
 يورثون وان خلفوه في المملوك
 قبل موتهم يورثون وان خلفوه
 والمسلمون يورثون وان خلفوه
 وقيل يثبت حق مسلمة النفس
 ولا يمنع الكافر من ان كان
 الميت كونه كافرا او
 مسلما ولو اسلم قبل الفسامة
 لامع اتحاد و ادرث او بعد ما
 ولو كان و ادرث امام فالمرء
 ادرث من مسلمة وقيل كان و ادرث
 المتحد وقيل لا يرضى له
 من قبل الفسامة ولو دعي مسلمة
 لم يقبل منه الا بقبضته معه في
 الشتم وقيل ان كان وقت الاسلام
 معلوما واختلف في ما من الموت
 عند وفاته فله فون مدعي
 نفاخ وفيه اشكال

٣
 مانع من لارث
 كان عاقره صبا سو كان
 كان عاقره كافرا ومسلم قبل
 الموت كان كافرا كان ضام
 المسلم من و يرضى ان كان موروثا
 او اماما الا اذا كان موروثا
 اصلها ولا و ادرث مسلمة
 فبيح الكا من دون الامام
 يورثون وان خلفوه في المملوك
 قبل موتهم يورثون وان خلفوه
 والمسلمون يورثون وان خلفوه
 وقيل يثبت حق مسلمة النفس
 ولا يمنع الكافر من ان كان
 الميت كونه كافرا او
 مسلما ولو اسلم قبل الفسامة
 لامع اتحاد و ادرث او بعد ما
 ولو كان و ادرث امام فالمرء
 ادرث من مسلمة وقيل كان و ادرث
 المتحد وقيل لا يرضى له
 من قبل الفسامة ولو دعي مسلمة
 لم يقبل منه الا بقبضته معه في
 الشتم وقيل ان كان وقت الاسلام
 معلوما واختلف في ما من الموت
 عند وفاته فله فون مدعي
 نفاخ وفيه اشكال

وَعَنْدَ الْتَالِيَةِ لَا يَرْتَضِي إِلَّا مَا

٣
الحمل مانع من لارث ظاهر الاجماع
لا يرت حامل لا اذا انفصل جوار من
حيا حكمه بانه من حين الموت وان كان
نصفه وكذا الحكم في الوضوء له والمعتبر
لحق الحيوان ولو بالحركة البقية التي لا
تقدر لاسر الاحياء دون لفعل
تتبع ولا يعتبر لاستهلال والردان
بمحولة على النية والقول به مناشا
دعبر جوارته بعد تمام الولادة فلو خرج
بعض جوار بعضه ميتا لم يرث ويحل
الحمل نصيب كبرن لندور الزائد
بشئ من الحمل لا مستدرك ويحل الزيادة
مع نصيبها الا في الابوان السدس
ولو ادعت لام الحمل في نصيبها
يعزل بنصيب الحمل ولو لم يرث الوارث
اشكال فان صدقنا ما فان كذبوها
ففي خلافها اشكال لعلة فيه العدم
ولو ان به اكثر من اقل الحمل من حين
الوطي لم يرث وان خلت عن الرجع
والموت ولا قل من قبل الحمل يرث
وان كانا زوج او متزوجين وجوه
ثالثا التفضيل بين الخالة عنهما
غيرها ويرث دبر الحمل لو اسقط ابواه
واقارب لاب وفي قارب لام منا
نقدم

٥
الغنية المفقطة ما عرفت في حديثنا
عاشب غنية مستعدة في نسبه ما بين
ورثته مجرد لا نقضاع ومثل من ينظر
مدة لا يعتبر مثله فارة اليها اذا
انقضت حكم بموته وورثته وورثته الو
الموجودون حال الحكم وعن ابن
الحجند يورث بعد اربع سنين من
كان في عسكر شهرت هزيمة وبعد
عشر سنين من قطع خبره او سبق منه
وعن مرقى والشدوق والحكم
بحسب ما اورد ربع سنين وطلب كل
ارض فان لم يوجد قسم بين ورثته
عن الغنيمة ان يباع عقاره بعد عشر
سنين اذا انقطع خبره ولو غل بئر
الولد الغائب من ابيه وطالت المدة
جاز لو ارث ابيه اقله مع الملازمة
ويضمون ولو مات له قريب عزل
بنصيبه المثل وربما حمل عدم العزل
وموضع حيث يعزل فان ثبت
حالة الحيوان او سبق موت فذاك
والا كان لورثة الميت الموجودين
حال الموت ويضم من كثيران للعزل
حكم مال الغائب وان استمر لاشتباه
وهو ضعيف فلا حظ

٤
الحمل الحجاب من لارث
الحجب على قسمين حجب عن تمام لارث
وحجب عن بعضه فالاول كافي كل طرفة
بالنسبة الى من ما خرج عنه ومن يثبت
الميت من الطرفين بالنسبة الى من
يفترقا اليه من طرف الاب خاصة و
الثاني على قسمين شامحجب عن بعض
مشاع او عن بعض من الزكة
فالاول على قسمين لان الحجاب اما
ان يكون دنا لما يحجب عنه اولاف
الاولاد وان زوا فانهم يحجبون لارث
عز رذ عن السدس الا على سنبل الز
والزوجين عن الزايد من النصيب
الا في والثاني الاخوة بلا اب اذا
كانوا ذكرا من اواربع او خاتمة او ذكر
وانثيين او ختيين نصا عدا مع
وجود الاب انتفاء موانع الارث
من الكفر والرق والقنل فانهم يحجبون
الام عما زاد على السدس ان كان رد
واشترط بعضهم كونهم منفصلين لا محال
وفي بعض المقاييس للام واما الحجب
عن بعض معين فالحيوي عز عن
الحيوة والزوجة ذات الولد يحجب
غير ذات الولد عن ثلثة الارض
الالات والابناء وغيرهما من الورثة
يحجبها مط عن ذلك على اختلاف الفوا

بسم الله الرحمن الرحيم
 اهل الميراث الاول من الانساب هم بحسب اختلافهم في الارث بالقرابة وبالقرض وفي مقدار الغرض خمسة اصناف ولا يرت

بسم الله الرحمن الرحيم
 اهل الميراث الاول من الانساب هم بحسب اختلافهم في الارث بالقرابة وبالقرض وفي مقدار الغرض خمسة اصناف ولا يرت

بسم الله الرحمن الرحيم
 اهل الميراث الاول من الانساب هم بحسب اختلافهم في الارث بالقرابة وبالقرض وفي مقدار الغرض خمسة اصناف ولا يرت

الاب	الام	البنت	البنات	الزوج	الزوجة
المال لبا القربة لها ثلث المال بالقرض والباة بالرد	لها النصف بالقرض والباة بالرد	من الثلثان باقرض والباة بالرد	مذكور من الاولاد مع الاناث ويدون	الزوج	الزوجة
الفريضة من ثلث	الفريضة من اثنين	الفريضة من اثنين	الفريضة من اثنين	الفريضة من اثنين	الفريضة من اثنين
<p>واحد الميراث الى الاب والبنات معا ومن ميراث من في الانساب ثمانية هي عشرة</p>					
الابوات	الام والبنت	الام والبنات	الزوج والاولاد	الام والزوج	الام والزوج
ظلام الثلث مع عدم الحاجة للسدس لا معه والباة من الثلث او الخمسة اسداس للاب	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا
الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة
الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات
للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا
الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة
الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات	الزوج والبنات
للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا	للأب السدس بالقرض وللبنات النصف كذلك والباة في مرد ارباعا
الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة

صور اجسام بعضه ^{نحو} مع بعض وهي سبع ايضا

[illegible]

اعلم ان كلاله الاب وحده لا يرت مع كلاله الابوين واما بقوم من مدعي عدمه ولا ينع كلاله الام شيئا منهما الا انه
انتهى مكانه معرضه ردمه على كلاله الام مع وجود كلاله الابوين اما مع وجود كلاله الاب وحده فهي رد على
الجميع بالنسبة سهامهم واختصاص كلاله الاب قولان مشهوران اجمع ثابتهما من قوة العمل من يرت من كلاله
بالفرض وبهما الاختصاص منفرد والاختصاص مختصا للابوين ولذا وكلاله الام مع اعتبار ثبوت كلاله الام يمكن حدس الاجد
من ذلك طرف فلو اجتمع مع الاخت والاحوت جد وجدة كان رد الجميع بالفرض لا باعتبار كلاله كذا ضعف لا منى
وكذا وكان مع كلاله الام جد وجدة لا بالفرض ولو كان مع كلاله الام الاجد والاب فلكلاله السد
او الثلث بالفرض والاب لا يبعد من قبل الاب ولو كان مع الاخت والاحسين لاب فضا عدا الامداد للام فلهن فوضهن
وللا يمدد للام الثلث فان كان رد كما اذا كان الوارث اخا واحدا مع الاجد للام فان كانت الاخت للابوين فقط
الاصحاب اختصاصها بالرد ولم اعثر على ما يحمل سواء وان كانت للاب فخاصة فظاهر المثل ذلك ايضا واحتمل في
عد الرد بالنسبة وربما يحمل ايضا اختصاص الاجداد به لانهم يرتون بالفرض ولا رد على الوارث بالفرض مع عدم
وارث بالفرض بل هذا التعليل يقتضى عدم الرد على الاخت للابوين ايضا فلاحظ

مستند في رد الام
باعتبار كلاله الابوين
باعتبار كلاله الاب وحده
باعتبار كلاله الام وحده
باعتبار كلاله الابوين والاب
باعتبار كلاله الابوين والام
باعتبار كلاله الابوين والاخت
باعتبار كلاله الابوين والاحوت
باعتبار كلاله الابوين والجد
باعتبار كلاله الابوين والجد والام
باعتبار كلاله الابوين والجد والاخت
باعتبار كلاله الابوين والجد والاخت والاحوت
باعتبار كلاله الابوين والجد والاخت والاحوت والام
باعتبار كلاله الابوين والجد والاخت والاحوت والام والاب

هل المرتبة الثانية من الاسباب من يرت معهم من الاسباب في اختلافها في رد كلاله الام والفرض ومقتضى الفرض				
الاخت للاب مفردة	الاختان فضا عدا للاب	الذكر لا ينجح كماله	كلاله الام المحدث	اصلا
لما النصف بالفرض والنصف بالرد ولا تقصيب	لكن الثلثان بالفرض والبنات بالرد ولا تقصيب	هم اما بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	له السد بالفرض والبنات بالرد ولا تقصيب	اصلا
الفرضية من اثنين	اصل الفرضية ثلثة وتماثل على	بعض من يرت بهم كلاله الام	الفرضية من سبعة	اصلا
كلاله الام المقتدد	الاجداد للاب	الاجداد للام	الزوج	الزوج
هم اثلث بالفرض والبنات بالرد فلهن الثلث بالباقى	يرتون بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	يرتون بالقرابة للذكر مثل حظ الانثيين	له النصف والبنات كماله	لها الربع والباقى كماله
ولا تقصيب	مثل حظ الانثيين	مثل حظ الانثيين	سبق	سبق
اصل الفرضية ثلثة وتماثل	الفرضية من سبعة	الفرضية من سبعة	الفرضية من اثنين	الفرضية من اثنين

صَوَاحِفُ أَهْلِ الْمَنَازِلِ الثَّانِيَةِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ بِمَجْمَعِهِمْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ثَانِيَةً وَهِيَ أَحَدُ ثَلَاثِينَ صُورَةً

[illegible]

لعمري خير مني في القول ان في مخزوني

[illegible]

نقطة للصحة الشافية من الحكة والحسین صورة

[illegible]

[illegible]

<p>الأجداد للام والزوجة الكلالة المتعددة مع الأخوة</p> <p>لزوج النصف لغيره الام من الاجتاد الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين</p> <p>ثلاثة</p>	<p>الأجداد للام والزوجة الكلالة المتعددة مع الأخوة</p> <p>لزوج النصف لغيره الام من الاجتاد الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين</p> <p>ثلاثة</p>	<p>الأجداد للام والزوجة الكلالة المتعددة مع الأخوة</p> <p>لزوج النصف لغيره الام من الاجتاد الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين</p> <p>ثلاثة</p>	<p>الأجداد للام والزوجة الكلالة المتعددة مع الأخوة</p> <p>لزوج النصف لغيره الام من الاجتاد الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين</p> <p>ثلاثة</p>	<p>الأجداد للام والزوجة الكلالة المتعددة مع الأخوة</p> <p>لزوج النصف لغيره الام من الاجتاد الكلالة الثلث بالسوية والباقي للاخوة للذكر مثل حظ الانثيين</p> <p>ثلاثة</p>
--	--	--	--	--

صور الحجة أهل المدينة الثانية ومن برئت منهم من الأسباب الخماسية وهي ثمانية عشر صورة هـ

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

نفسه لعنه السابعة

الأعمام للاب والخال للأمة مع العم أو العمة للام	الزوج والأعمام للام مع الخال أو الخالة للام	الزوج والعم أو العمة للام مع الخال أو الخالة للام	الزوج والعم أو العمة للام مع الأخوال للام
للأخوال الثلث بالسوية أو العمة سبعة الساتع والابنة للأعمام ثلاث إن كان أصغر وإن كان أكبر أو اختلفوا فالمذكر مثل حظ الأنثى	الزوج للصف للخال والعم الثلث والباقي للأعمام بالعم للأعمام بالسوية	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية
سنة	سنة	سنة	سنة
الأخوال للاب والأعمام للام مع الخال أو الخالة للام	الأخوال للاب والعم أو العمة للأمة مع الخال أو الخالة للام	الأخوال للاب والعم أو العمة للأمة مع الخال أو الخالة للام	الأخوال للاب والعم أو العمة للأمة مع الأخوال للام
ثلث المال للأخوال سبعة للخال أو الخالة للام والابنة للأخوال للاب بالسوية الثلثان للأعمام للام بالعم	للأخوال ثلثا ثلثهم مع للخال أو الخالة للام والابنة للأخوال للاب بالثلثان للأمة أو العمة	للأخوال ثلثا ثلثهم مع للخال أو الخالة للام والابنة للأخوال للاب بالثلثان للأمة أو العمة	للأخوال ثلثا ثلثهم مع للخال أو الخالة للام والابنة للأخوال للاب بالثلثان للأمة أو العمة
ثلاثة عشر	ثلاثة عشر	ثلاثة عشر	ثلاثة عشر
الأعمام للاب والخال للأمة مع الخال أو الخالة	الزوج والعم أو العمة للام مع الخال أو الخالة للام	الزوج والعم أو العمة للام مع الخال أو الخالة للام	الزوج والعم أو العمة للام مع الأخوال للام
للأخوال الثلث سبعة للخال أو الخالة للام والابنة للأخوال للاب بالسوية والثلثان للأعمام للام بالعم	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية
ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر
الأخوال للاب والأعمام للام مع الخال أو الخالة للام	الأخوال للاب والعم أو العمة للأمة مع الخال أو الخالة للام	الأخوال للاب والعم أو العمة للأمة مع الخال أو الخالة للام	الأخوال للاب والعم أو العمة للأمة مع الأخوال للام
للأخوال الثلث سبعة للخال أو الخالة للام والابنة للأخوال للاب بالسوية والثلثان للأعمام للام بالعم	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية	الزوج للصف للخال والعم للأمة الثلث والباقي للام للأعمام بالسوية
ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر	ثمانية عشر

صور اجتماع أهل المدينة الثالثة من الأنساب من يجمع معهم من الأصناف بأعنه وهي ثمان وعشرون صورة.

[illegible]

سنة الفصحى الحادية

[illegible]

[illegible]

وَعِنْدَ الْعَامَّةِ لَا يَرْتَدُّ إِلَّا مَا

وحيث والمعتة بورداه المسينه

٣ الحمل ما يقع من الارث ظاهر اجماعا	٤ الغنية المنقصة ما غفر في جدها	٥ الحمل الحجب من الارث
<p>لا يرث حامل الا اذا انفصل جها فان حصل جها حكم بارتث من حين الموت وان كان نطفة وكذا الحكم في الوصية له واليه ينسب لمحق الجواهر ولو بالحركة اليقينية التي لا يتبدل الا من الاحياء دون النفلين الطبيعي لا يعتبر الاستهلال والرواية به محمولة على النطفة والقول به شاذ ويغير جواهره بعد تمام الولادة فلورث بعض حبا وبعضه متبنا به وبغير الحمل ينسب كبره لندور تر تدفون بتعين الحمل على استدركه ويغير الجاه معه نصيبها لادنى والابوان لشدك ولو ادعت لام الحمل حتى يثبت بها بغيره نصيب الحمل ولو لم يرث لورثه اشكال فان صدقناها فان كذبوها حتى تخالفها اشكال اعلم فيه لعدم وثوقه به لا كثر من نفي الحمل من حين الوطى لم يرث وان خلت عن ارفع والمولود ولا قبل من قبل الحمل يرث وان كان طازوج او موك وطنها وجوه ثالها التفصيل بين الخالية عنها و غيرها ويرث ذرية الحمل لو اسقط ابواه واقارب لاب وفي قارب لام ما تقدم</p>	<p>غائب غيبته منقصة لا ينسب ما به من ورثته بمجرد الانقطاع والمثل انه ينظر مدة لا يعش مثله فانه بها اذا انقضت حكم بموته ودورته ورثته لموجود دون حال الحكم وعن ابن الجبند يورث بعد اربع سنين من كان في عسكر شهرت من غيبته وبعد عشر سنين من انقطع خبره او يورثه وعن النضرى والقشودق والحكمي يحبس ماله اربع سنين ويطلب في كل ارض فان لم يوجد قسم بين ورثته عن مفيد انه يباع عقاره بعد عشر سنين اذا انقطع خبره ولو عزل ميراث الولد الغائب من ابيه وطالت المدة جاز لو ارث ابيه افضاه مع الملائكة ويضمون ولومات له قريب عزل نصيبه المثل وربما حمل عدم العزل وموضع جث بغيره فان ثبت حالة الجواهر وسبق موت فذاك والا كان لورثته الميت الموجودين حال الموت ويقتصر من كثر ان العرق حكم حال الغائب وان استمر الاستبنا وهو ضعيف فلا حظ</p>	<p>يحب على قمين محب عن عام لا يحب عن بعضه فالاول كما في كل طينة بالنسبة الى من فخر عنه ومن ينسب الميت من الطرفين بالنسبة الى من ينسب اليه من طرف الاب حاشية والثاني على قمين اما يحب عن بعض مشاع او عن بعض حين من الزكاة فالاول على قمين لان الحاجب اما ان يكون وارثا لما يحجب عنه اولاف او الاولاد وان تزوا فانهم يحجبون الاولاد زاد عن السدس الا على سنبل الرزح والزوجين عن الزايد من النصيب الادنى والثاني الاخوة للاب اذا كانوا ذكرا من اواربع او خاتمة اودكر وانثيين او ختين نصا عدا مع وجود الاب انتفاء موانع الارث من كفر والرق والعقل فانهم يحجبون الام عما زاد على السدس وان كان رد واشترط بعضهم كونهم منفصلين لا مملوكي بعض المغايرة للام واما الحجب عن بعض معين فالجواب محب عنه عن الجواهر والزوجة ذات الولد يحجب غير ذات الولد عن ثلث الارض والعتبة الا لاث والابنة وغيرها من الورثة يحجبها مطعن ذلك على اختلاف القواعد</p>

الحقوق المتأثرة من الارث اجماعا

اولها يوح من الحقوق المتأثرة باعيان
المركبة كالكراهة والجنس والرهن الفيمان
المشروط وعين مخصوصه وجو الجنازة والتد
المتعلق بالاعيان وكما يلو ف عليه
المتأثر عليه وتعلق الجنازة والتد
ومن ذلك حق الزوج في السكنى من المسك
المعنى ما كان فيه حيث يشترط ظاهر
الاصحاح في هذا القرن بعد وقد يوح
ذلك يخرج منها الكفن وما يربطه
عليه شجرة فبما عكس الزوج في فقه
الزوج من السكنى على ذلك نظرهم يخرج منها
الحقوق المتعلقة بغير المسك حال الجنازة
بعدها مع سبب سببه كالدين والند
المتعلق بالدين والكمالات والجمود
مقتضى ما يوح من الحقوق المتأثرة
في جملتها كالحق في الميراث والوصية
على الوفاة بغير الدين والوصية
في الوفاة بغير الدين والوصية
الوارث فلا يصدق عليه ما يوح المسك
ان الوفاة مانع بناء على الملكية بمعنى ان الوفاة
وان قلنا ان الملك اتم دائما يتغير من موثوق
في البصر كالتأثير الوفاة كانه يصدق
انه يراه له من قبل لا يراه الوفاة فلا حظ

شرط الارث من زوج الوارث من الموت

فمن الحقوق المتأثرة باعيان
المركبة كالكراهة والجنس والرهن الفيمان
المشروط وعين مخصوصه وجو الجنازة والتد
المتعلق بالاعيان وكما يلو ف عليه
المتأثر عليه وتعلق الجنازة والتد
ومن ذلك حق الزوج في السكنى من المسك
المعنى ما كان فيه حيث يشترط ظاهر
الاصحاح في هذا القرن بعد وقد يوح
ذلك يخرج منها الكفن وما يربطه
عليه شجرة فبما عكس الزوج في فقه
الزوج من السكنى على ذلك نظرهم يخرج منها
الحقوق المتعلقة بغير المسك حال الجنازة
بعدها مع سبب سببه كالدين والند
المتعلق بالدين والكمالات والجمود
مقتضى ما يوح من الحقوق المتأثرة
في جملتها كالحق في الميراث والوصية
على الوفاة بغير الدين والوصية
في الوفاة بغير الدين والوصية
الوارث فلا يصدق عليه ما يوح المسك
ان الوفاة مانع بناء على الملكية بمعنى ان الوفاة
وان قلنا ان الملك اتم دائما يتغير من موثوق
في البصر كالتأثير الوفاة كانه يصدق
انه يراه له من قبل لا يراه الوفاة فلا حظ

اللعنات لزمانها من الارث اجماعا

اما اللعان فهو يوجب فسخ العقد بين
الزوجين وانشاء نسلا للولد المنق عن
عن الاب فلا يثبت احدهما الاخر ولا يرب
الاخر ولا يافيه ومن ثم انه لا يولد له والزوج
او الزوج من يفرق بالام وهو يربهم
وقيل لا يرب حواله الا ان يفرق الاب
لو لم يكن له ولد كان الثالث للام بالقرين
والبابة رد بعد نصيب لزوجها ان كان
في رد ابنتها الثلث وابنة الامام
عن الشيخ وابن الجوزي العمل بهما مع عدم
عصية الام وعن الصدوق العمل بها
حال حضوره خاصة في المش الاول
لو اكدت الاب نفسه الامان واعترف
به ودنه الولد ولا يرب له الاب والمشمع
النوارث بين الولد وان اربح وقيل
برثهم وقال الفضل بن النوارث ان
اللعنات لزمانها من الارث اجماعا

فلا بأس

اهل المذهب الاول في الانساب هم نجيب ثلاثهم في الادب بالقرن ثلث وبالتمريض وفي مضار الفروض خمسة اصناف ولا يثبت

[illegible]

جیٹ گہڑا داد داد اید کہ
نامہ دیکھ کر شرم و خجالت
و القصد و القصد و القصد
و القصد و القصد و القصد
و القصد و القصد و القصد

الاب	الامر	البنث	البنات	الزوج	الرفعة
المال للباقرات	لها الثلث المال	لها النصف بالفرض	من الثلثان بالمرور	من الثلثين بالمرور	من الثلثين بالمرور
بالفرض والبقاء بالمرور	والبقاء بالمرور	والبقاء بالمرور	والبقاء بالمرور	والبقاء بالمرور	والبقاء بالمرور
الفريضة من ثلث	الفريضة من ثلث	الفريضة من ثلث	الفريضة من ثلث	الفريضة من ثلث	الفريضة من ثلث

وَأَعْلَى الْمَرْبُورِ إِلَى الْأَسْبَابِ مَعَهُمْ فِي الْأَسْبَابِ شَائِدٌ فِي عَشْرِ مَوَاقِفٍ
صَوَّجَ أَهْلَ الْأَوْفُقِ نِسَاءً وَنِزَاجًا فِي الْأَسْبَابِ شَائِدٌ فِي عَشْرِ مَوَاقِفٍ

الابوات	الاب البنث	الاب البنث	الاب البنث	الاب البنث
فلام الثلث مع عدم الحاجة لعدد معه والباقي من الثلثين او الخمسة اسداس للاب	للاب السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد ارباعا الفريضة من ربة	للاب السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد ارباعا الفريضة من ربة	للاب السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد ارباعا الفريضة من ربة	للاب السدس بالفرض وللبنت النصف كذلك والباقي يرد ارباعا الفريضة من ربة
الام والبنث	الام والبنث	الام والبنث	الام والبنث	الام والبنث
كالا ب والبنث	كالا ب والبنث	كالا ب والبنث	كالا ب والبنث	كالا ب والبنث
الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة
الزوج والبنث	الزوج والبنث	الزوج والبنث	الزوج والبنث	الزوج والبنث
لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها
الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة
الزوج والبنث	الزوج والبنث	الزوج والبنث	الزوج والبنث	الزوج والبنث
لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها	لزوج النصف بالفرض والبنث الثلث كذلك والباقي رد عليها
الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة	الفريضة من اربعة

صَوْرَاجْتِمَاعِ بَعْضُهُمْ مَعَ بَعْضٍ بِرِأْيِهِ وَهِيَ سِتُّ صُورَةٍ فِي ذَلِكَ الْحَدِّ وَلِ

<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>	<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>	<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>	<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>
<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>	<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>	<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>	<p>أَبُو وَرَدٍ مَعَ لَبَنِك</p> <p>لَمَزُوجِ الرَّبِيعِ وَالْأَبُو وَالْأُمُّ</p> <p>وَأَبَاةُ لَبَنَاتٍ بِرَدِّ عِلْمَتِ</p> <p>سَفَرِ</p>

[illegible]

هنا المرتبة الثانية من الاسباب من يثبت معهم من الاسباب فيجب اختلافها في وقتها واما في موضعها فمقدارها

الأخت للاب مفردة	الأختان فصاعدا للاب	الذكور لأخيه بنت لأخت	كالأم المتخذة
لما النصف بالفرض والنصف بالرد ولا نصيب	لهن الثلثان بالفرض والبنات بالرد ولا نصيب	لهم المال بالعقوبة المذكور مثل حظ الأنثيين	لها السدس بالفرض والبنات بالرد ولا نصيب
الأنثى	من أشبه أصل الفريضة ثلثه وتماثلها	بغير سهم لغيره سهمه	الفريضة من سهمه
كالأول المتعدد	الأجداد للاب	الأجداد للام	الزوج
لهم الثلث بالفرض والبنات بالرد بقسمة السبق ولا نصيب	يرثون بالعقوبة للذكر مثل حظ الأنثيين	يرثون بالعقوبة للذكر مثل حظ الأنثيين	لها الربع والباقي كما سبق
أصل الفريضة ثلثه وتماثلها	الفريضة من عد السهام	الفريضة من عد الرؤس	الفريضة من أربعه

المصنف أبو بكر بن محمد بن عبد الله بن أحمد بن محمد بن علي بن أبي طالب

[illegible]

[illegible]

هذه نسخة النافذة

[illegible]

[illegible]

صور اجتهاد اهل الميراثه الثالث من الانساب ومن يجمع معهم من الاصحاب خاسيد ودرشان

الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي
الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي
الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي
الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي
الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي	الاعمام للابن الاخوال للابن الزوجي

ثمانية عشر	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون
ثمانية عشر	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون
ثمانية عشر	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون
ثمانية عشر	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون
ثمانية عشر	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون	سنة وثلاثون

اصل الفريضة ستة وثلاثون اصل الفريضة اثنان وسبعون اصل الفريضة اثنان وسبعون

جناب مستطاب في المدة يقين وعمدة المحققين تاج الادب وراي من انكاه يلا لذي الانجاء
منه الخطا بقاء شيخ محمد شافعي خلفه رحمه الله تعالى في حرم مبرور حاج مبرر اجتهاد
بافر خاسر من بهي وايز فل الادب القاسم الحيدل مدني وصدايق ثواب خير بل بوم كبر

امر شريف باياديت ودر بقمع كوشيدك بطبع سائيدك عكافه تاسراو
منفعه شونيد واحد للعبون ك ان قدره فني ك و بقمع لاشا
بوكي بعل مدان ناظرين بقمع التماسي عا
و غاضر از خطا الزوج و جد و بقمع

خاطر بعض از مجاورین آنها و طویر باره مناقشات در بین ایشان و مرتفع شدن آن و تا بل عاصه با موافقت حق
در حق قنات و اجراء میاه و غرس اشجار و مزاحمت از اوق و نیکوئی بیوه در گستره نواحی و اختتام پرواز
بعضی از اراضی که اسباب وحشت مردم شود و لی زو و بصیحت بمذلل گردد و و اشجار بعضی از نام داران

مواضع بیمار غطا کرد ز سرده سرخه مشوی زحل اوزانوس بنظرون

روشن سازد هم عطر ۱۳ درجه سنبله ۱۱ درجه میزبان ۲۲ درجه حوت ۲۶ درجه قوس ۵ درجه حمل ۱ درجه اسد ۲۸ درجه

ایستاد	بزرگ	مهر باستانی	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳
مهر باستانی	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵
اکبر زنگی	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
مهر اردشیر	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
مهران	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵
مواضع فتح	نور	جونا	جونا	سلطان	سلطان	اسد		طلوع عوا	استراخان برج		مهران		عزب شش	عزب		
تفصیل	چهره جبار					بان زردش								عزب	عزب	عزب
بغیة ربیع الثانی	آخر بسته شمس طره شنبه	غیر مریخی سفر خنک شرکت مال النجاشی	فرزند بدایه سپردن از شیر گرفتن	اعزام رسول روان کردن آب	بذر افشادن زیارت بزرگان	ورود بشرو خانه نو خرید اشیاء	اسر قبل بنیاد کارهای ملکی	صبح اسر روز قبل	نشا بد	خرید باغ و بنیان خمر افشاندن	تجارت ابتدا تعلیم تجدید بسا	یکماعت بغروب تحت انشاء	۲۰ بغروب فرود عزب میشود	۴۰۹ از شب بخشنه خروج الشاع	۵۰۹	۵۱۰
طهران	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵
۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۲۸	۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲۹	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	

卷之四

مجلس بیستم

هوالمعد - او ضاع سنارگان در این ماه ولایت نماید بر انقلاب هوا و باد و باران و سیل هوا
 بر روی و اشتغال مردم بکندن چاه و کار پز با و غرس بجز در وقت باران و غلظت و احتیاج
 و خور و مابین یکی از ملل عزیزی با همسایه خود و احتیاج بر روز حادثه و توامی شمال غرب و شیب و شرق

مواضع ریاض عطار در هر مریخ مشرقی و حد اورانوس بنطون
 روز غریبه ۲۵ درجه سید ۱۹ درجه صفت ۱ درجه حد ۲۵ درجه قوس ۵ درجه حد ۱۵ درجه اسد ۱۹ درجه

ایستاد	دشمنی	مواضع	جاری اولی ۱۳۰۶	طهران
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴
۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	۳۵
۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶
۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	۴۲
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷
۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	۴۸
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	۴۹
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	۵۱
۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲
۵۳	۵۳	۵۳	۵۳	۵۳
۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	۵۴
۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵
۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶
۵۷	۵۷	۵۷	۵۷	۵۷
۵۸	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸
۵۹	۵۹	۵۹	۵۹	۵۹
۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰
۶۱	۶۱	۶۱	۶۱	۶۱
۶۲	۶۲	۶۲	۶۲	۶۲
۶۳	۶۳	۶۳	۶۳	۶۳
۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	۶۴
۶۵	۶۵	۶۵	۶۵	۶۵
۶۶	۶۶	۶۶	۶۶	۶۶
۶۷	۶۷	۶۷	۶۷	۶۷
۶۸	۶۸	۶۸	۶۸	۶۸
۶۹	۶۹	۶۹	۶۹	۶۹
۷۰	۷۰	۷۰	۷۰	۷۰
۷۱	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱
۷۲	۷۲	۷۲	۷۲	۷۲
۷۳	۷۳	۷۳	۷۳	۷۳
۷۴	۷۴	۷۴	۷۴	۷۴
۷۵	۷۵	۷۵	۷۵	۷۵
۷۶	۷۶	۷۶	۷۶	۷۶
۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	۷۷
۷۸	۷۸	۷۸	۷۸	۷۸
۷۹	۷۹	۷۹	۷۹	۷۹
۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰
۸۱	۸۱	۸۱	۸۱	۸۱
۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲
۸۳	۸۳	۸۳	۸۳	۸۳
۸۴	۸۴	۸۴	۸۴	۸۴
۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
۸۶	۸۶	۸۶	۸۶	۸۶
۸۷	۸۷	۸۷	۸۷	۸۷
۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸
۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹
۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰
۹۱	۹۱	۹۱	۹۱	۹۱
۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲
۹۳	۹۳	۹۳	۹۳	۹۳
۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵
۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶
۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷
۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸
۹۹	۹۹	۹۹	۹۹	۹۹
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

استان باندک برود
 استان باندک برود

مکر و جور و ستم در حق مملکت و بیاریهای دومی و در چشم در جوانان و نازل شدن بار آسمانی قوی در بعضی حد و دور و نزدیک بازارها و اینی طرق و شوارع و از زمانی بعضی از خدا و زمانی بعضی از سبب بیان و انقلاب احوال علی از معارف و احتمال فوت علی از خواب و مغلوب شدن دست از اعراب بهم و هم بعضی از

دوزستان نزد مهر

عقرب ۱۵	درجه میزان ۲	درجه عقرب ۱۱	درجه حوت ۲۴	درجه قوس ۱	درجه حوت ۳۰	درجه اسد ۲۹
---------	--------------	--------------	-------------	------------	-------------	-------------

[illegible]

卷之四

اسی چیز کو کہتے ہیں کہ

هو نسیان - اوضاع کو آب در این ماه دلالت دارد بر سردی هوا و باریدن و رست و آب من
 نمود می و استغفار و جفت از بخار کسبه و تمایل عامر ببلد مرستی و آموختن آن و رونق بازار هوا بر و
 عطیات آب ب زیت و رنگ نغنی بادشاه و صحت و سلامت عامه و از باد سعادات و خیرات درین

مواضع عطار زهره مبرج مشری زحل اورانوس بنجون

به روز شنبه ۱۳ عصر ۱۳ بهانه ۱۶ در عقرب ۲۲ در حو ۱۴ در قوس ۹ در جد ۳ در حمل ۲۹ در

جاری الثانی ۱۳۴۴ طهزان											
هلال این ماه شب ششم مندرج نماید											
عصر شمس از صورت عقرب خارج شود											
تجدید لباس مسافرت ز رعیت											
شرکت و بنا											
نقل مکان قصد حج است و بنا											
مانند قبل											
صبح و ورود و بنامه و شعر و غزل											
نشايد											
مثل روز گذشته											
امور تجارت ملاقات بزرگان											
۵ عتبه از شب تا شنبه شرف فرا											
عقد نکاح نقل مکان تعلیم موسیقی											
امروز گذشته غسل شجره فرزند											
خسوکلی مرثیه شب جمعه											
غسل شجره فرزند از شیر گرفتن											
نشايد											

استان بزرگ و بزرگوار

بازار و بزرگوار

بهر عالم و او صنایع کو ایک در این ماه رگالت دارد و بر سر دی میوه و اسب و بیاغ دارد و در ف
و مار نه بکے و عنبر ت کجوم و در سوم و حسلو بیات و نیشتر احوال مردم و ظهور بعضی اسرار و توبه
بزرگان معلوم و صنایع و اختلاف و عشاق بین بعضی دول و لشکر و انی نعمت و

عطار د		زهره		مستخرج		مستخرج		زحل		اورانوس		نپتون	
روز ۲۰		روز ۲۱		روز ۲۲		روز ۲۳		روز ۲۴		روز ۲۵		روز ۲۶	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲
۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶
۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰
۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴
۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸
۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	۱۸۱	۱۸۲
۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶
۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰
۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴
۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸
۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲
۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶
۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰
۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴
۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰	۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸
۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲
۳۲۳													

مضامین از مدتی بسیار دور

卷之二

اقطع وابدع



